

دوفصلنامه علمی حدیث پژوهی

سال ۱۳، بهار و تابستان ۱۴۰۰، شماره ۲۵

مقاله علمی پژوهشی

صفحات: ۱۱۷-۱۵۴

ملاک‌های عالمان شیعی در تدوین کتب ادعیه

سیده فرزانه فخرایی*

نهله غروی نائینی**

نصرت نیل‌ساز***

چکیده

کتاب‌های ادعیه مقبول امامیه، برترین کتب دعا و حاوی دعاهایی منقول از معصومین علیهم‌السلام است. این ادعیه اعتقاد داعی را محکم کرده، به وی سعادت و آرامش روان می‌بخشد اما تفوق طلبی مدعیان سیروسلوک، راحت طلبی و کم‌حوصلگی جویندگان دعا، سبب رواج انواع دعا‌های برساخته گشته؛ در این شرایط، شناخت سره از ناسره ضروری است. متقدمان ملاک صحت دعا را وثوق و اعتماد به صدور آن از معصوم علیهم‌السلام می‌دانستند که از راه تحلیل فهرستی و روش کتاب‌شناسانه، بر اساس قراینی مانند وجود و تکرار روایت در بسیاری از اصول اربع‌مائه با چند نقل در مطمئن‌ترین نسخه، برایشان احراز می‌شد و با اعتماد به نسخه، ادعیه را در مجموعه‌های خویش گردآوری کردند. مؤلفان متأخر نیز ادعیه‌ای را که منبع مورد اعتماد داشت، بدون کم‌وزیاد کردن، تنها با تبویب جدید، در مجموعه‌هایشان نوشتند. این تحقیق بر آن است با جستجو در کتب ادعیه امامیه، تهیه مستندات از طریق کتابخانه‌ای با تحلیل، نقد و ارزیابی کتاب‌ها، معیار مؤلفان کتب ادعیه را بیان کرده و اثبات کند ایشان غیر فرمایش معصومین علیهم‌السلام را نوشته‌اند تا هر طالبی با اطمینان خاطر از این کتب بهره برد و به اهداف والای دعا کردن برسد.

کلیدواژه‌ها: معیار مؤلفان، کتب ادعیه، توثیقات عام، ضعف اسناد.

* دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه تربیت مدرس / f.fakhraie@modares.ac.ir

** استاد دانشگاه تربیت مدرس، نویسنده مسئول / naeen_n@modares.ac.ir

*** دانشیار تربیت مدرس / nilsaz@modares.ac.ir

تاریخ دریافت: ۹۶/۸/۳۱ تاریخ پذیرش: ۹۷/۷/۱۶

۱. مقدمه

انسان‌ها با فطرت الهی خویش در هنگام مواجهه با سختی‌ها می‌یابند که فقط خدای سبحان قادر به برطرف کردن مشکلات و اندوه‌هاست: «وَ إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ.» (زمر: ۸) در احادیث معصومان علیهم‌السلام ترغیب بسیار بر دعا کردن شده است: «قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى سِلَاحٍ يَنْجِيكُمْ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ يَدِرُّ أَرْزَاقَكُمْ قَالُوا بَلَى قَالَ تَدْعُونَ رَبَّكُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ فَإِنَّ سِلَاحَ الْمُؤْمِنِ الدُّعَاءُ.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۴۶۸؛ صدوق، ۱۳۹۲ق، ص ۷۲؛ ابن فهد حلی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۶ و ۲۰۵)

پیغمبر ﷺ فرمود: آیا شما را به سلاحی رهنمایی نکنم که از دشمنان نجات بخشد و روزی شما را فراوان و سرشار کند؟ گفتند: بله، فرمود: به درگاه پروردگارتان در شب و روز دعا کنید، زیرا سلاح مؤمن دعاست.

دعا با روح انسان سروکار دارد، از عالم معنا سرچشمه گرفته و در قالب کلمات بیان شده است. دعا و ذکر نزدیک‌ترین حالات بنده به پروردگار است. هرچند که او به بندگانش از رگ گردن نزدیک‌تر است، بندگان از او غافل‌اند. با دعا کردن حجاب بین داعی و حضرت حق برطرف می‌شود. برخورداري معصومین علیهم‌السلام از علم خطاناپذیر، گسترده و هدایت‌بخش الهی، تلاش برای هدایت بندگان با روش‌هایی صحیح و کارآمد در هر عصر و مصر، دلیل اهتمام فراوان ایشان به دعا بیش از اهتمام به هر چیز دیگر است. تا جایی که «برای تمامی آنات شب و روز، برای هر روز از ایام هفته، ماه، سال و تمامی عمر، ادعیه خاصی بیان کرده است.» (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۸، ص ۱۷۲)

متأسفانه تغییر در محتوای کتب ادعیه با ورود تجربیات و امور آزموده‌شده بزرگان و راهیابی این مجربات به مجموعه‌های دعایی، اختراع ادعیه از سوی برخی مدعیان سیروسلوک یا متعمدان در انحراف اعتقادی اقشار عمومی از راه مستقیم، به مرور زمان، به ادعیه آسیب رسانده و تشخیص دعای مأثور از غیر آن را با دشواری مواجه ساخته است. ولی خوشبختانه کتاب‌های دعای شیعه کتبی مورد اطمینان است که داعی با آرامش خاطر به آن‌ها مراجعه و به‌راحتی دعای مأثور را می‌یابد.

مؤلفان کتب ادعیه امامیه از نقش آفرینان در حفظ میراث حدیثی و نشر فرهنگ شیعی بوده‌اند. اهتمام ایشان در حفظ ادعیه مأثور، تلاش بر نقل عین کلام

معصومان علیهم‌السلام و پرهیز از هرگونه دست بردن در ادعیه، سبب حفظ میراث عظیم دعایی شیعه، در طول تاریخ شده است.

تاکنون تلاش‌هایی در راستای شناخت مبانی و روش اینان در تألیفاتشان، برای نشان دادن گستره احادیث معتبر، انجام شده است؛ از جمله تحقیقاتی که به قسمتی از موضوع این مقاله پرداخته، عبارت‌اند از:

- کتاب مبانی و روش‌های نقد حدیث در کتب اربعه شیعه. (فتاحی زاده، ۱۳۸۵ش)
- پایان‌نامه بررسی تطبیقی روش‌ها و معیارهای نقل حدیث در کتب اربعه (کاکایی، ۱۳۸۸ش) و روش‌شناسی حدیثی علامه مجلسی در *مرآة‌العقول* بخش اصول کافی. (میر ابوالحسنی، ۱۳۸۶ش)

- مقالات: «مقایسه ملاک‌های گزینش روایات صحیح بخاری و الکافی» (معارف و همکاران، ۱۳۸۹ش)؛ «اعتبار دعا‌های ابن طاووس از نگاه او» (احمدی، ۱۳۸۷ش) و «بررسی صدور ادعیه ماه رمضان بر اساس *مصباح‌المتهجد*». (مهریزی و ایمانی‌جو، ۱۳۹۱ش) با وجود تلاش‌های زیاد علما در حدیث‌شناسی، تاکنون مبانی مؤلفان کتب ادعیه در انتخاب دعا‌های کُتبتشان بررسی نشده است؛ هرچند توثیقات عام ابن قولویه و ابن مشهدی به بحث گذاشته شده است. این مقاله بر آن است تا با تدقیق در معیارهای عالمان شیعی در تألیف کتب ادعیه، بیان مبانی مؤلفان کتب ادعیه، تحلیل محتوا و نقد آن‌ها را انجام دهد تا میزان صحت انتساب ادعیه به معصومین علیهم‌السلام مشخص شود و اثبات کند همه علما سعی فراوان بر نقل متون ادعیه به همان صورتی که امامان علیهم‌السلام بیان فرمودند، داشته‌اند. از آنجا که کتب دعا فراوان‌اند، در این مجال فقط به مبانی مؤلفان کتب‌های معتبر که مورد نقد و مناقشه قرار گرفته‌اند، پرداخته می‌شود.

۲. نویسندگان دارای کتاب دعا

بزرگانی از علمای متقدم و متأخر، به‌صورت مستقل در ادعیه و زیارات کتاب نوشته‌اند. آنچه در زمان حال مطرح است، صحت اسناد این ادعیه است؛ زیرا علو مضمون و غنای فراوان معارف نهفته در ادعیه ماثور، دلالت بر صدور آن‌ها از منبع معصوم دارد. اصل و مایه چیزی که قوام امر به آن است، ملاک نامیده می‌شود. (عمید، ۱۳۸۹ش، ص ۹۷۲) در تحلیل ملاک‌های علما دو نوع روش را می‌توان به کار گرفت: یکی روش

تحلیل رجالی که بین متأخران شیعه و اهل سنت کاربرد دارد و در آن وثاقت یا عدم وثاقت راوی در نظر گرفته می‌شود و دیگری تحلیل فهرستی یا کتاب‌شناسانه که از روش‌هایی است که به‌تازگی توسط برخی مانند سید حسین مدرسی طباطبایی در کتاب *میراث مکتوب شیعه در سه قرن نخستین هجری* و سید احمد مددی در کتاب *نگاهی به دریا* مورد توجه قرار گرفته است. شیعیان به دلیل قلت جمعیت و تقیه از طریق نوشتار کوشیدند میراث فکری و حدیثی خود را رواج دهند و تکثیر کنند، اصحاب ما آثار مکتوب را کتاب دانستند و اجازه کتاب را برای حجیت آن در نظر گرفتند و بر پایه نوشتار و تألیفات کار کردند. شیوه نقل و معیار سندی نقد حدیث نزد فقها و محدثان قدیم شیعه بر اساس اعتماد بر منابع مکتوب و به‌کارگیری تحلیل کتاب‌شناسی قرار دارد. بررسی حجیت خبر با شیوه تحلیل فهرستی مختص شیعه است. این نوع کتاب‌شناسی در حقیقت مکمل علم رجال است. در این روش، بررسی می‌شود که آیا راوی کتابی داشته که شنیده‌های خود از امام را در آن گرد آورده و مکتوب کرده باشد؟ آیا کتاب او نسخه‌ها یا تحریرهای متفاوت و متعدد داشته است؟ اگر چنین است کدام نسخه و تحریر معتبر است؟ فرق تحلیل فهرستی با تحلیل رجالی در این است که در تحلیل رجالی، حجیت خبر بر اساس رجال بررسی می‌شود و در تحلیل فهرستی بر اساس نوشتار و اثر مکتوب یا به تعبیر بهتر مصادر. (نک: عمادی حائری، ۱۳۹۴ش، ص ۷۲-۸۱) مجامع متقدم حدیث بیشتر مطالب خود را از نوشته‌های پیشین برگرفته‌اند و غالباً اسناد این روایات نشانگر طریق دستیابی مؤلفان آثار بعدی به کتاب‌های پیشین است نه سند نقل شفاهی نقل‌ها. «در تحلیل رجالی وثاقت یک راوی مهم است اما در تحلیل فهرستی، اگر راوی صرفاً ناقل کتاب مؤلف دیگر باشد وثاقت خود او مهم نیست، نسخه/تحریری که او روایت کرده مهم است. قدام نسخه‌ها را با هم مقابله کرده و نسخه معتبرتر را ترجیح می‌دادند.» (همان، ص ۱۰۸)

عالمانی که کتاب دعا به صورت مستقل (مانند *مصباح المتعجل*) یا غیرمستقل لابه‌لای دیگر کتب ادعیه (مانند *الکافی*) نوشته‌اند و کتاب آن‌ها مورد قبول و عمل قرار گرفته، به ترتیب تاریخی از بین متقدمان عبارت‌اند از:

۱. کلینی (د ۳۲۹ق). (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۵۴؛ کلینی، ۱۴۰۷ق، مقدمه، ص ۵)

۲. ابن قولویه (د ۳۶۸ق). (طوسی، ۱۳۸۱ق، ص ۴۱۸؛ سبجانی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۱۲۲) یا د ۳۶۹ق. (حلی، ۱۳۸۱ق، ص ۸۹)
۳. صدوق (د ۳۸۱ق). (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۸۹)
۴. شیخ مفید (د ۴۱۳ق). (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۲۷)
۵. شیخ طوسی (د ۴۵۸ق)^۱. (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۸۰ق، ص ۱۱۴)
۶. حاکم حسکانی (د پس از ۴۷۰ق). (حسینی جلالی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۵۳۵)
- افرادى از متأخرین نیز کتاب دعا تألیف کرده‌اند:
۱. قطب راوندی (د ۵۷۳ق). (سبجانی، ۱۴۱۸ق، ج ۶، ص ۲۶۷)
۲. محمد بن جعفر بن علی مشهدی حائری (د ۵۸۳ق). (صالح آبادی، بی‌تا، ج ۵۰، ص ۲۲۴)
۳. ابن طاووس (د ۶۶۴ق). (حسینی جلالی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۶۵۶)
۴. کفعمی (د ۹۰۵ق). (سبجانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۰، ص ۱۳)
۵. شیخ بهایی (د ۱۰۳۱ق). (عاملی و همکاران، ۱۴۲۹ق، ص ۳)
۶. ملا محمدباقر مجلسی (د ۱۱۱۰ق). (سبجانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱۲، ص ۳۵۰؛ حسینی جلالی، ۱۴۲۲ق، ج ۲، ص ۲۳)
۷. شیخ عباس قمی (د ۱۳۵۹ق). (امین، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۸۱)
- ثقة الاسلام کلینی کتاب مستقل در دعا نوشته است. «مبنای کلینی در پذیرش احادیث و ثوق به شواهد و قراین بوده است.» (عمادی حائری، ۱۳۹۴ش، ص ۱۱۷)
- شهادت وی در مقدمه کافی که همه احادیث کتابش را صحیح (به اصطلاح متقدمان) خوانده است، نشان می‌دهد که احادیث کتابش، با قراین قطعی یا متواتر از معصومین علیهم‌السلام نقل شده است. جلالت قدر مؤلف و توصیف کتاب از زبان خود کلینی لازمه صدور احادیث از امام است. (نک: حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۶۳-۶۴)
- شیخ صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه به فضایل ماه رجب، ماه شعبان و ماه رمضان و ادعیه آن‌ها به صورت مختصر پرداخته، این قسمت بعداً از کتاب او جدا شده و با عنوان فضائل الأشهر الثلاثة چاپ شده است. «مبنای صدوق سماع از مشایخ و استادان برجسته او مانند پدرش و ابن الولید بوده است.» (عمادی حائری، ۱۳۹۴ش،

ص ۱۱۷) وی در مقدمه من لایحضره النقیه می گوید: «... وَ جَمِيعُ مَا فِيهِ مُسْتَخْرَجٌ مِنْ كُتُبٍ مَشْهُورَةٍ عَلَيْهَا الْمَعْوَلُ وَإِلَيْهَا الْمَرْجِعُ... وَ غَيْرِهَا مِنَ الْأَصُولِ وَالْمُصَنَّفَاتِ.» (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳) «مقصود صدوق از اصل کتاب‌هایی بوده که مورد اعتماد و استناد بوده است.» (همان، ص ۱۰۱) وی روایات مورد اعتمادی را از کتب پیشین انتخاب کرده که به صحت صدور آن‌ها از معصومین علیهم‌السلام وثوق و قطع داشته و آن‌ها را حجتی بین خود و خدایش دانسته است.

«مما تقدم من مصنفات أصحابنا رضوان الله عليهم» (مفید، ۱۴۱۳ق، مقدمه، ص ۳) سخن شیخ مفید در مقدمه کتاب المزار (که به نام المزار الصغیر - مناسک المزار^۲ نیز خوانده شده) است که نشان می‌دهد وی بر کتبی که از امامیه در اختیار داشته، اعتماد کرده و فقط به تنظیم مطالب به نحو تازه‌ای اقدام کرده است.

حاکم حسکانی در مقدمه کتابش، فضایل شهر رجب، به روش و مبانی خود اشاره نکرده است، ولی از موارد نادری که مطلبی به قلم خودش نوشته، می‌توان به دست آورد وی ادعیه را از مشایخ موثق یا از اصولی که در اختیار داشته، نوشته است. (نک: حسکانی، ۱۴۱۱ق، ص ۵۰۰، ۵۰۵ و ۵۱۰)

قطب راوندی بر کتابش دعوات الراوندی (سلوة الحزین) مقدمه نوشته و فقط به ذکر تعدادی حدیث در اهمیت دعا کردن اکتفا کرده است. از آنجا که وی در زمره متأخران محسوب می‌شود و سیره بزرگان از ابتدا تاکنون بر آن است که از خود دعایی نمی‌نویسند، بایستی با اعتماد به کتب و احادیثی که در دست داشته، کتابش را نوشته باشد.

کفعمی ادعیه را از کتبی که در اختیار داشته و صراحتاً به صحت کتاب‌هایش اعتراف کرده، جمع‌آوری کرده است. (کفعمی، ۱۴۰۵ق، ص ۴؛ همو، ۱۴۱۸ق، ص ۲) شیخ بهایی در اثر روایی خویش، مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیلة که به درخواست گروهی از مؤمنان نوشته است، هدف خویش را جمع‌آوری اعمال واجب و مستحبی شبانه‌روز که به راحتی انجام می‌شود، بیان کرده است. (عاملی، بی تا، ص ۷) پس آنچه در کتابش آورده، به نظر او واجب یا مستحب است و همین امر نشان از متأثر بودن ادعیه و عدم ورود ادعیه غیر متأثر در این کتاب دارد.

مجلسی دوم *زاد‌المعاد* را نوشت. شیوه متأخران آن است که بر اساس تحلیل رجالی و اعتماد به راویان ثقه، کتابشان را تألیف و تنظیم می‌کنند. نویسنده *زاد‌المعاد* نیز مطالبی را که به نظرش سند صحیح و معتبر داشته، انتخاب کرده است. (مجلسی، ۱۴۲۳ق، ص ۹) *مفتاح الجنان* در حاشیه کتاب *زاد‌المعاد* نوشته شده است. از آنجا که شیخ عباس قمی *مفاتیح الجنان* را برای تصحیح و تکمیل کتاب *مفتاح الجنان* تألیف نموده و در *مفاتیح* از قول میرزای نوری کتاب *مفتاح الجنان* را جمع کرده، برخی عوام شمرده و به آن تاخته است، نمی‌توان کتاب *مفتاح الجنان* را منتسب به علامه مجلسی دانست.

شیخ کلینی و شیخ صدوق کتاب مستقل در ادعیه نوشته‌اند. ایشان از چنان شهرتی برخوردارند که مبانی و ملاک‌هایشان به فراوانی مورد مذاقه قرار گرفته است. *المزار* شیخ مفید تنها با تبویب جدید، ارائه‌کننده زیارات است. به جز این، درباره مبانی حاکم حسکانی، قطب راوندی، کفعمی، شیخ بهایی و مجلسی، نقد درخور توجهی گفته نشده، اما کتب ادعیه ابن قولویه، شیخ طوسی، ابن مهدی، ابن طاووس و شیخ عباس قمی از جهت توثیقات عام مؤلف یا مورد رجوع بودن کتاب‌ها، مورد نقد و تحلیل دیگر علما قرار گرفته است. در این قسمت در حد توان، معیارهای این مؤلفان در انتخاب و پذیرش ادعیه بیان می‌گردد و میزان درستی کتب آن‌ها از جهت شمول ادعیه ماثور بررسی می‌شود.

۳. کتب ادعیه مستقل متقدمان

علمای معاصر شیخ طوسی و قبل از ایشان مانند کشی، صدوق، مفید و کلینی را در اصطلاح علم رجال، علمای متقدم می‌خوانند و کسانی مانند ابن داوود و سید بن طاووس که پس از شیخ طوسی می‌زیسته‌اند، علمای متأخر محسوب می‌شوند. (الفضلی، ۱۴۲۰ق، ص ۸۴)

۳-۱. ملاک مؤلف کامل الزیارات

در بین متقدمان، اولین کسی که کتاب مستقل در ادعیه^۳ نوشت، ابوالقاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه قمی، از فقهای بزرگ و از محدثان برجسته شیعه است. نجاشی درباره او می‌نویسد: «وَكَانَ أَبُو الْقَاسِمِ مِنْ ثِقَاتِ أَصْحَابِنَا وَأَجْلِبَائِهِمْ فِي الْحَدِيثِ وَالْفِقْهِ» (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۲۳)

کتابی را در موضوع زیارت پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام با عناوینی چون کتاب الزیارات (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۱۲۳) جامع الزیارات (طوسی، بی تا، ص ۹۲) و کامل الزیارات^۴ - بدون مخالفت و تردید- به او نسبت داده‌اند. چنان‌که از مقدمه کتاب برمی‌آید، ابن قولویه آن را در پاسخ به درخواست‌های پی‌درپی یکی از نزدیکان و آشنایان خود نگاشته است. (ابن قولویه، ۱۳۹۸ق، ص ۳۷) ابن قولویه در ابتدای کتابش نوشته: «وَلَمْ أَخْرُجْ فِيهِ حَدِيثًا رَوَى عَنْ غَيْرِهِمْ إِذَا كَانَ فِيمَا رَوَيْنَا عَنْهُمْ مِنْ حَدِيثِهِمْ - (صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ) كِفَايَةٌ عَنْ حَدِيثِ غَيْرِهِمْ وَقَدْ عَلِمْنَا أَنَا لَا نُحِيطُ بِجَمِيعِ مَا رَوَى عَنْهُمْ فِي هَذَا الْمَعْنَى وَلَا فِي غَيْرِهِ، لَكِنْ مَا وَقَعَ لَنَا مِنْ جِهَةِ الثَّقَاتِ مِنْ أَصْحَابِنَا - (رَحِمَهُمُ اللَّهُ) بِرَحْمَتِهِ، وَلَا أَخْرَجْتُ فِيهِ حَدِيثًا رَوَى عَنْ الشُّذَّازِ مِنَ الرِّجَالِ، يُوَثِّرُ ذَلِكَ عَنْهُمْ عَنِ الْمَذْكُورِينَ غَيْرِ الْمَعْرُوفِينَ بِالرُّوَايَةِ الْمَشْهُورِينَ بِالْحَدِيثِ وَالْعِلْمِ.» (همان، ص ۳۷)

محدثان قدیم شیعی با روش کتاب‌شناسانه، بیش از آنکه بر راوی و تضعیف و توثیق او تأکید ورزند، به متن مکتوب، اعتبار و حجیت آن تأکید داشتند. (عمادی حائری، ۱۳۹۴ش، ص ۲۰۸) با توجه به سخن آیت‌الله خویی، «ابن قولویه ذکر فی اول کتابه هذا انه لا يروى عن الشذوذ بل يروى جميع روايات ذلك الكتاب عن الثقات» (خویی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۲۷)، معنای «الشذوذ» در برابر «الثقات» است. بر اساس تحلیل کتاب‌شناسی «مقصود ابن قولویه نه توثیق مشایخ اوست و نه توثیق همگی راویان مذکور در کتاب، بلکه مراد وی وثوق به مصادر است.» (عمادی حائری، ۱۳۹۴ش، ص ۱۸۰)

از نظر متأخران، عبارت ابن قولویه «ما وقع لنا من جهة الثقات من أصحابنا» (ابن قولویه، ۱۳۹۸ق، ص ۴) یکی از توثیقات عام محسوب می‌شود. «مراد از توثیق عام، آن است که راویان در ضمن یک قاعده کلی و عمومی (نه شخصی خاص)، توثیق شده باشند؛ مانند قاعده توثیق بنو فضال و...» (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۴۹؛ الفضلی، ۱۴۲۰ق، ص ۸۳)

از بررسی مقدمه کامل الزیارات، چنین برمی‌آید که فقط روایاتی در گستره این توثیق عام قرار می‌گیرند که ۱. سند روایت، به معصوم برسد؛ ۲. سند متصل باشد، عبارت «ما وقع لنا» اگر به معنای وصل الینا باشد، گویای این امر است؛ ۳. دیگر اینکه راوی آن،

شیعه امامی باشد؛ این نیز از عبارت «مِنْ جِهَةِ الثَّقَاتِ مِنْ أَصْحَابِنَا» به دست می‌آید. بر اساس روش تحلیل رجالی از نظر متأخران، توثیق ضمنی ابن قولویه از روایان مذکور در کتابش، کمک بزرگی برای توثیق بسیاری از روایات شیعه است که نامی از آن‌ها در کتاب‌های رجالی نیامده یا توثیق نشده‌اند؛ مثلاً درباره قاسم بن یحیی توثیق خاصی وارد نشده اما گفته شده: «او از بزرگانی است که حدود ۸۲ روایت دارد و کتابی در آداب امیرالمؤمنین علیه السلام نوشته است. چون نام وی در اسناد کامل الزیارات قرار دارد، دارای توثیق عام است.» (مازندرانی، ۱۴۱۷ق، ص ۱۴) البته با توجه به اینکه ابن قولویه فردی حدیث شناس و ثقة بوده، سخن او مانند دیگر بزرگان رجال، چون شیخ طوسی، برای ما حجت است. پس روایات منقول از غیر امامان معصوم و نیز روایات غیر مُسند اعم از مُرسَل، مرفوع، مُنقطع و معلق و همچنین روایات منقول از اهل سنت یا شیعیان غیر امامی و احادیث دیگری از این دست، از دایره توثیق عام او خارج می‌شوند.

۲-۳. اختلاف علمای متأخر در فهم گفتار ابن قولویه

علمای معاصر در معنای توثیق ابن قولویه گفته‌اند: «عبارت ابن قولویه، به این معناست که در کتاب وی از روایان ضعیف و مجروح، روایتی آورده نشده است، مگر آنکه یکی از روایان ثقة مشهور به علم و حدیث، مانند محمد بن حسن بن ولید یا سعد بن عبدالله اشعری - که به نقد حدیث نیز شهره‌اند - آن روایت را نقل کرده باشند... از سخن ابن قولویه پیداست که مراد او همه روایان واقع در اسناد کتابش نیست: «فلیس مراده وثاقه جمیع من وقع فی أسانید روایاته.» (سیستانی، ۱۴۱۴ق، ص ۲۱-۲۲)

همچنین گفته‌اند: سخن ابن قولویه فقط دلالت بر وجود احادیث صحیح در کتابش دارد: «... عبارت ابن قولویه در کامل الزیارات، نشان‌دهنده نفی روایات موضوعه و مدسوسه از روایات کتابش است، او درصدد توثیق کل سند نیست.» (بحرانی، ۱۴۲۹ق، ص ۱۴۷)

برخی نیز روایات او را صحیح به اصطلاح متقدمان خوانده‌اند: «اخبار مذکور در کتاب ابن قولویه از روایاتی است که با قراین داخلی و خارجی، اطمینان به صدور آن‌ها از ائمه معصومین علیهم السلام است، آنچه ابن قولویه گفته مانند کلام کلینی و صدوق در ابتدای کتاب‌هایشان است. تمامی اخبار این کتاب‌ها تحت عنوان صحیح به اصطلاح

متأخران جای ندارد، تنها به عنوان صحیح نزد قداما قرار می‌گیرد.» (لنگرودی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۹۰-۹۴) یعنی آقای لنگرودی بر اساس روش پیشینیان که با تحلیل کتاب‌شناسانه روایات را گزینش می‌کردند، اخبار کامل الزیارات را صحیح می‌داند.

۳-۳. توثیق همهٔ راویان مذکور در اسناد

به جز آنچه ذکر شد، برخی چون شیخ حرّ عاملی، همهٔ راویان کامل الزیارات را ثقه دانسته‌اند. به عقیدهٔ او، این عبارت ابن قولویه در توثیق همهٔ راویان کتاب، از توثیق ذکر شده در مقدمهٔ تفسیر علی بن ابراهیم قمی، بلیغ‌تر و رساتر است. (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۶۸) آیت‌الله خوبی نیز با اینکه در بسیاری از توثیقات عام مناقشه کرده است، توثیق رجال کامل الزیارات را می‌پذیرد، حتی اگر آن‌ها در کتب رجالی معتبر توثیق نشده باشند؛ البته به شرطی که از آن‌ها قدحی نرسیده باشد: «نحکم بوثاقهٔ جمیع من وقع فی إسناد کامل الزیارات.» (نک: خوبی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۶۴) آیت‌الله خوبی ضمن مناقشه در تقییم علی بن الحسین السعدآبادی که شیخ کلینی و معلم ابی‌غالب زراری هم‌شاگردی کلینی است (طوسی، ۱۳۸۱ق، ص ۴۳۲، رقم ۶۱۹۹-۴۲؛ خوبی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۲، ص ۴۰۷) نوشته: «... لکنّه من مشایخ ابن قولویه الذین هم القدر المتیقّن من عبارة التوثیق التي ذكرها فی مقدمهٔ كتابه کامل الزیارات و إن استظهرنا منها التعمیم لكل من وقع فی إسناد هذا الكتاب، سواء من یروی عنه بلا واسطهٔ كمشایخه أم معها. و کیفما كان، فلا ینبغی التأمل فی وثاقه الرجل.» (خوبی، ۱۴۱۸ق، ص ۳۰۹) گفتنی است با اینکه ایشان ابتدا تمام رجال کامل الزیارات را ثقه می‌دانستند، در تجدید نظری، این توثیق را فقط برای مشایخ بدون واسطهٔ مؤلف پذیرفته است. (داوری، ۱۴۲۹ق، ج ۱، ص ۳۲۴؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ج ۶، ص ۳۷)

بر اساس روش تحلیل رجالی، توثیق همهٔ راویان به دلایل زیر تأیید می‌شود:

الف. عبارت «وَقَعَ لَنَا»، به معنای «وَصَلَ إِلَيْنَا» است. به دیگر سخن، ابن قولویه بر آن است که زیارات کتابش، به صورت متصل و سلسله به سلسله، از راویان ثقه نقل شده است.

ب. معنای «وَقَدْ عَلِمْنَا أَنَّا لَا نُحِيطُ بِجَمِيعِ مَا رَوَى عَنْهُمْ فِي هَذَا الْمَعْنَى وَلَا فِي غَيْرِهِ، لَكِنَ مَا وَقَعَ لَنَا مِنْ جِهَةِ الثَّقَاتِ مِنْ أَصْحَابِنَا - رَحِمَهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَتِهِ لَ»، این است که ما

نمی‌توانیم به همه اخبار روایت شده از امامان در این موضوع (زیارات) و دیگر موضوعات احاطه یابیم؛ اما احاطه بر روایات منقول از راویان ثقه، به دلیل اندک بودنشان ممکن است. با این بیان، روشن می‌شود که توثیق مؤلف، به همه رجال اسناد وی برمی‌گردد.

ج. اگر سندی ضعیف باشد، دیگر توثیق مشایخ، سودی نخواهد داشت.

د. ابن قولویه به روشنی گفته است از رجالی که شاذ در روایت کردن هستند، یک روایت هم نقل نکرده است.

ه. اطلاق لفظ «أصحابنا» بر مشایخ حدیثی بلاواسطه، خلاف اصطلاح رایج است.

۳-۴. توثیق مشایخ بلاواسطه

میرزای نوری با برداشت از مقدمه ابن قولویه، راویان واقع در اسناد کامل الزیارات را ثقه می‌داند اما نه همه آنها را. میرزای نوری در کتابش، بودن راوی در اسناد کامل الزیارات را از جمله ملاک‌های توثیق و تحسین راویان برمی‌شمارد. (محدث نوری، ۱۴۱۷ق، ص ۷۱) و گفته است: «لا فرق فی التوثیق بین النص علی أحد بخصوصه أو توثیق جمع مخصوص بعنوان خاص.» (همان، ج ۳، ص ۵۲۳) اما از دیدگاه او، توثیق فقط شامل مشایخ بدون واسطه ابن قولویه می‌شود، نه تمامی راویان کتاب. (همان، ج ۳، ص ۲۵۲) برخی محققان دیگر نیز نظر محدث نوری را پذیرفته‌اند و فقط مشایخ بلاواسطه ابن قولویه را ثقه می‌دانند. (شبییری زنجانی، ۱۴۱۹ق، ج ۱۸، ص ۵۹۷۱؛ طباطبایی قمی، ۱۴۰۰ق، ج ۳، ص ۱۱۳؛ سبحانی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۳۱۱)

چون ابن قولویه برای راویان کتابش طلب رحمت نموده (ما وقع لنا من جهة الثقات من أصحابنا رحمهم الله برحمته؛ ابن قولویه، ۱۳۹۸ق، ص ۴) برخی حکم به وثاقت همگی آنها نموده‌اند، اما با دقت در اسناد بعضی از اخبار وارده در کامل الزیارات نام افرادی به چشم می‌خورد که از فردی مانند ابن قولویه لیاقت و استحقاق استرحام را ندارند؛ مانند علی بن ابی حمزة بطائنی (نک: ابن قولویه، ۱۳۹۸ق، ص ۶۳، ۸۴، ۱۰۸، ۱۱۹، ۲۴۶، ۲۴۸، ۲۹۴ و...) که شدید الوقف است، نجاشی او را از بزرگان واقفه برشمرده است. (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۳۵۰) و پسرش حسن بن علی بن ابی حمزه (نک: ابن قولویه، ۱۳۹۸ق، ص ۴۹-۵۰) و لیث بن ابی سلیم عامی (همان، ص ۳۱)

که شیخ طوسی او را مجهول خوانده است. (طوسی، ۱۳۸۱ق، ص ۱۴۵) و غیر این‌ها از منحرفین؛ اما در مشایخی که ابن قولویه بلاواسطه از ایشان نقل کرده، کسی که استحقاق این استرحام را نداشته باشد وجود ندارد، همین نشانه خوبی است بر اینکه مراد از ثقات، مشایخ بلاواسطه ابن قولویه هستند.

به دلایل زیر، به نظر می‌رسد که «توثیق عام ابن قولویه، تنها شامل مشایخ بلاواسطه او می‌شود:

۱. دستیابی به توثیق معاصران آسان است، اما درباره روایان گذشته، کار دشواری است. اصولاً هرکسی نسبت به شیخ بی‌واسطه خود، شناخت دقیق‌تری دارد.
۲. قدما مقید بودند که از روایان ضعیف، مستقیم نقل نکنند؛ اما نقل باواسطه از چنین روایانی را روا می‌دانستند» (نک: رحمان ستایش، بی‌تا، ص ۴۴-۵۰) مانند روایت شیخ طوسی از حَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْعَدَوِيِّ که وی را به شدت ضعیف خوانده‌اند. (ابن غضائری، ۱۳۶۴ق، ج ۱، ص ۵۵؛ حلی، ۱۳۸۱ق، ص ۲۱۵) به واسطه تلعبری (طوسی، ج ۲، ص ۷۵۲، ج ۲، ص ۷۶۴) که فردی ثقه است و نجاشی درباره‌اش نوشته: «او چهره‌ای سرشناس و ثقه از امامیه است که مورد اعتماد است و هیچ طعنی بر او نیست.» (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۴۳۹) یا روایت کلینی از عُبيدِ اللَّهِ الدُّهَّاقِ که از نظر رجالیان فرد ضعیفی است (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۳۱)، به واسطه محمد بن یحیی^۵ که فردی «امامی است، ظاهراً مذهب صحیح دارد و بزرگ شیعیان در زمان خویش بوده، او ثقه و عین است.» (همان، ص ۳۵۳؛ ابن داود حلی، ۱۳۸۳ق، ص ۳۴۰)
۳. «بسیاری از مشایخ باواسطه ابن قولویه، به علم و حدیث شهرت ندارند، بلکه نام آن‌ها فقط در این کتاب آمده است. توثیق همه روایان، موارد نقض بسیاری دارد، چند نمونه اشاره شده در بالا شاهدهی بر این ادعاست.

۴. بر فرض تمام نبودن ظهور عبارت مقدمه، در توثیق مشایخ بی‌واسطه ابن قولویه، باید گفت که از آن، توثیق همه روایان کتاب بر نمی‌آید؛ بنابراین، باید قدر متیقن این دو را ملاک قرار داد که توثیق مشایخ بی‌واسطه نویسنده است. روی هم رفته، از مجموع ۳۸۸ راوی موجود در اسانید کتاب، تنها سی نفر مشایخ بدون واسطه ابن قولویه، مصداق این توثیق عام هستند. درباره هیچ‌یک از این افراد نیز مورد نقضی وجود ندارد.

که ضعف قطعی آن‌ها را نشان دهد.» (نک: رحمان ستایش، بی تا، ص ۴۴-۵۰)

در جمع‌بندی می‌توان چنین گفت: از مفهوم مقدمه ابن قولویه چنین به دست می‌آید که وی از روایان ناشناخته حدیثی نقل نکرده، مگر در صورت نقل آن حدیث از طریق استادان و ناقلان مشهور به علم و حدیث. پس ابن قولویه به صراحت، روایان مشخصی از کتاب را توثیق نکرده است. سخن ابن قولویه در مقدمه کتابش بر اساس روش تحلیل رجالی، نشان‌دهنده توثیق مشایخ بلاواسطه اوست، نه توثیق هرکس که در اسناد کتابش قرار دارد؛ زیرا اطلاق کلام او نمی‌تواند وثاقت یکایک روایات موجود در اسناد این کتاب را اثبات کند اما در تحلیل کتاب‌شناسی، مقصود ابن قولویه نه توثیق مشایخ اوست و نه توثیق همگی روایان مذکور در کتاب، بلکه مراد وی وثوق به مصادر است. قدر متیقن از نقد و بررسی‌ها آن است که احادیث کتاب کامل الزیارات صحیح از نظر قدماست؛ روایاتی که ماثور و قابل عمل هستند و خدشه‌ای بر آن وارد نیست؛ هرچند ممکن است از نظر متأخران برخی از روایان، ثقه نباشند.

۵-۳. مصباح‌المتهدد و انگیزه مؤلف آن

ابوجعفر محمد بن حسن طوسی معروف‌ترین شخصیت علمی قرن پنجم، معروف به شیخ الطائفة در بیشتر علوم و معارف شریعت، کتاب‌هایی تألیف کرد که در نوع خود بی‌مانند بوده و همچنان در تاریخ علم ماندگارند. مهم‌ترین اثری که شیخ در زمینه ادعیه تألیف کرده و در اصل پدر ادب دعایی شیعه باید خوانده شود، کتاب سترگ و پیراج مصباح‌المتهدد از کتب نفیس و کم‌نظیر امامیه است. این کتاب گران‌قدر مشتمل بر عبادات و دعاهایی است که از ائمه طاهرين (علیهم‌السلام) در ساعات و روزها و هفته‌ها و ماه‌های سال رسیده است. «این کتاب یکی از پرازش‌ترین کتب ادعیه شیعه است که از حیث صحت و اعتبار و قدمت، در میان کتب مشابه خود امتیاز خاصی دارد.» (دوانی، ۱۳۷۲ش، ص ۳۸۱) این کتاب به نام‌های *المصباح‌الکبیر* (سید بن طاووس، ۱۴۰۹ق [الف]، ص ۸۸، ۱۶۴، ۲۲۸ و ۳۳۵) و *مصباح‌المتهدد فی عبادات السنه* نیز شهرت دارد. برخی از شاگردان و اطرافیان شیخ از ایشان می‌خواهند که کتابی بنویسد و عبادات سالانه را با ادعیه مربوط به آن عبادات بدون فروع و فقهی به‌طور اختصار در آن کتاب بیاورد، این درخواست انگیزه شیخ شد: «والمقصود من هذا الكتاب مجرد العمل و ذکر الأدعية التي

لم نذکرها فی کتب الفقه» (طوسی، ۱۴۱۱ق، مقدمه کتاب، ج ۱، ص ۳)

شیخ طوسی پس از تألیف این اثر به تلخیص آن همت گماشت که از آن با عنوان *المصباح الصغير* یا *مختصر المصباح الكبير* یاد شده است. (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۲۱، ص ۱۱۸) «ظاهراً مواردی که در *مصباح الكبير* نیامده در این کتاب نوشته شده است.» (کلبرگ، ۱۳۷۱ش، ص ۴۳۲) مثلاً ابن طاووس در *مصباح الزائر* توضیح می‌دهد که او از *المصباح الصغير* متن دو زیارت را که باید در کنار مشهد امام حسین علیه السلام در روز عاشورا خوانده شود نقل کرده زیرا این دو زیارت در *المصباح الكبير* نیامده است. (نک: مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۰۱، ص ۳۰۳)

۳-۶. مبنای شیخ طوسی در نقل روایات

شیخ طوسی نخستین فقیهی است که عرصه بحث درباره اسانید روایات را گشود و قاعده حجیت اخبار آحاد موثق را تأسیس کرد. شالوده نظر وی در حجیت خبر واحد مبتنی بر اجماع است: «أن تجتمع الأمة أو الفرقة المحقة على العمل بخبر الواحد» (طوسی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۶۶) بنا بر نظر شیخ طوسی مضمون خبر واحدی که موجب علم نباشد، به شرط داشتن یکی از چهار شرط، مضمونش صحیح است و می‌توان به آن عمل کرد: ۱. موافقت با عقل؛ ۲. مطابقت با کتاب الله چه نص کتاب یا ظاهر آن یا فحوای کتاب؛ ۳. موافقت با مضمون خبر با سنت قطعی؛ ۴. موافقت با اجماع فرقه محقه. هرگاه چنین باشد، مضمون خبر آحاد صحت دارد؛ هرچند دلالت بر صحت خود خبر ندارد. (نک: همان، ج ۱، ص ۱۴۴-۱۴۵) متقدمان خبر موثق الصدور را معتبر و دارای حجیت می‌دانند. (نک: بهبهانی، ۱۴۱۵ق، ص ۴۸۷) ایشان حجیت خبر را از طریق کتاب‌شناسی و با روش تحلیل فهرستی اثبات می‌کردند؛ این نوع کتاب‌شناسی در حقیقت مکمل علم رجال بود که نوشتارها را از زاویه حجیت بررسی می‌کرد. «محدثان قدیم شیعی کتاب‌محور بودند به خلاف دوره‌های بعد که شخص راوی، اساس نقد و بررسی متون حدیث قرار گرفت.» (عمادی حائری، ۱۳۹۴ش، ص ۳۷) قراین صحت حدیث نزد قدمای شیعه برای احراز صدور حدیث از معصوم علیه السلام عبارت‌اند از: ۱. وجود روایت در بسیاری از اصول اربع‌مائه؛ ۲. تکرار آن در یک یا چند اصل با چند نقل؛ ۳. وجود روایت در اصل منسوب به یکی از اصحاب اجماع؛ ۴. وجود حدیث در

یکی از اصولی که تصدیق و توثیق راویان آن (مانند محمد بن مسلم) مورد اجماع است؛ ۵. وجود روایت در کتابی که بر یکی از ائمه علیهم‌السلام عرضه شده و امام آن را تأیید کرده باشند (مانند کتاب عیبالله حلبی که بر امام صادق علیه‌السلام عرضه شد). ۶. اخذ حدیث از کتبی که نزد پیشینیان امامیه شهرت داشته و مورد تأیید بوده است، خواه مؤلف آن امامی باشد یا غیر امامی. شیخ حر عاملی نیز همین عناوین به‌جز عنوان ششم را از قراین صحت حدیث می‌داند. (نک: مدیر شانه‌چی، ۱۳۷۷ش، ص ۱۴۶-۱۴۷) شیخ بنا بر همین اساس با تشخیص وثاقت نسخه‌های معتبری که در دسترس داشته، ادعیه کتاب مصباح‌المتهجد را جمع‌آوری فرموده است.

با دقت در متن کتاب مصباح‌المتهجد و دیگر کتب شیخ برخی از مبانی شیخ طوسی در گزینش مطالب کتاب چنین است:

۱. نوشتن مستحبات و دعا‌های منقول در مذهب شیعه جعفری؛ شیخ طوسی با اشراف کامل بر منابع و مطالب مذاهب دیگر اسلامی، در مصباح‌المتهجد فقط آنچه را موافق با مذهب امامیه است، آورده است. شیخ در جایی که به مسائل مربوط به زکات فطره پرداخته، روزه‌های حرام را ذکر کرده و سپس از قول زهری به مشایعت کردن روزه ماه مبارک با شش روز روزه گرفتن اشاره می‌کند (طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۶۶۶) در حالی که شیخ با اشاره به نظر برخی از بزرگان شیعه بر کراهت شش روز روزه تشیع، می‌فرماید اصل بر تخییر است. استناد او آن است که «الصوم عبادة لا تکره لِأَنَّ النَّبِيَّ ع قَالَ الصَّوْمُ جُنَّةٌ مِنَ النَّارِ وَ هُوَ عَلَى عَمُومِهِ». (همان‌جا)

۲. از دیگر اموری که شیخ رعایت کرده، خلاصه‌گویی است به همین سبب از ذکر اسناد خودداری کرده، مگر در برخی موارد که خودش مستقیماً مطلبی از استادش شنیده است. در این موارد لفظ «اخبرنا» نشان‌دهنده سماع شیخ است؛ هرچند ممکن است اعتماد وی به اجازه‌ای که از استادانش دارد، سبب تحقق وثاقت به دعا شده باشد و در واقع ایشان این روایت را به دلیل نقل استادش از مرویات شمرده است. (همان، ج ۱، ص ۳۹۹، ج ۲، ص ۴۹۹، ۵۲۳، ۷۱۷، ۷۵۲، ۷۵۹، ۷۶۴، ۷۸۸، ۸۰۳ و ۸۰۷) همچنین در یکجا که از کتب معتبر^۷ روایت را نوشته، سند را ذکر کرده است. (همان، ج ۲، ص ۸۵۳)

۳. ملاک شیخ در گرفتن حدیث از یک راوی، حال راوی در زمان اخذ روایت است.

«ما ترویه الغلاة، والمتهمون والمضعفون و غیر هؤلاء، فما یختص الغلاة بروایته، فإن كانوا ممن عرف لهم حال استقامة و حال غلو، عمل بما رووه فی حال الاستقامة و ترک ما رووه فی حال خطاءهم- تخلیطهم-» (همو، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۵۱) از همین رو شیخ از برخی افراد که دچار فساد مذهب شدند، روایات را اخذ کرده است؛ مانند عَبْدُ الْمَلِكِ بْنِ عَمْرٍو^۸ که نماز حاجت و دعای پس از آن را، از او روایت کرده است (همو، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۳۳۰)؛ زیرا نقل از کسی، در همه حال نشانه اعتماد بر راوی نیست بلکه به کتاب او اعتماد کرده است. شیخ طوسی در مقدمه الفهرست تصریح می کند که با وجود اعتقاد نادرست برخی مؤلفان، کتاب هایشان مورد اعتماد علمای شیعی بوده است. (همو، بی تا، ص ۴) در مصباح المتہجد، شیخ از برخی دعایی و یا مطلبی را روایت کرده، ولی خود به غالی بودن و ضعف شدید او اعتراف دارد. شیخ درباره مُحَمَّدُ بْنُ جُمُهورِ الْعَمَی نوشتہ: «غال». (همو، ۱۳۸۱ق، ص ۳۶۴) با وجود اعتراف شیخ بر غلو این راوی، وی را تقه در نقل دانسته است و از نسخه او دعایی را نقل کرده است. (همو، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۷۳۲) اما اگر درجایی غلو کرده یا اسناد را جابه جا کرده باشد، او را معتبر ندانسته است. «أخبرنا بروایاتہ کلها إلا ما کان فیها من غلو أو تخلیط جماعة». (همو، بی تا، ص ۴۱۳) شیخ بر اساس روش پیشینیان با تحلیل کتاب شناسانه محتوای کتاب را صحیح تشخیص داده؛ هرچند راوی که در طریق کتاب قرار دارد، فرد صالحی نبوده است.

۴. شیخ معتقد است فساد مذهب به وثاقت راوی اشکالی وارد نمی کند. «لیس من شرط المخبرین أن یكونوا مؤمنین». (همو، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۸۱) مؤمن در غیر لسان قرآن به معنی شیعه امامی است. آداب و ادعیه و اذکار و اوراد و ختومات و صلواتی که از طرق راویان اهل سنت در کتاب مصباح المتہجد روایت شده است، کم نیست. روایانی مانند زَیدِ بْنِ ثَابِتٍ^۹ که نماز اعرابی را از وی نقل کرده (همو، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۳۱۸)، احمد بن مُحَمَّدِ بْنِ سَعیدٍ^{۱۰} که از وی داستان روز بیست و پنجم ذی حجه، روز مباحله را نقل کرده (همان، ج ۲، ص ۷۵۹) یا روایت از أَبُو الْبَحْتَرِی وَهْبُ بْنُ وَهْبٍ که با اینکه از نظر رجالیان فردی ضعیف است،^{۱۱} چندین روایت از او نقل کرده است. (همان، ج ۲، ص ۶۴۹، ۷۸۸ و ۸۲۰)

۵. از دیگر مبانی شیخ آن است که اگر راوی در بعضی اعمال فاسق یا خطاکار باشد

ولی در نقل روایت مورد اطمینان و ثقة باشد، وی را دارای عدالت مطلوب در نقل حدیث می‌داند، بنا بر عقیده شیخ فسق در اعمال و افعال فقط مانع از قبول شهادت است نه مانع از قبول روایت. (همو، ۱۴۱۷ق، ص ۱۵۳) به همین دلیل است که در سند برخی ادعیه مصباح المتهدجد به روایانی ضعیف مانند اَنَسُ بْنُ مَالِكٍ^{۱۲} و یا ابْنِ عِيَّاشٍ^{۱۳} برمی‌خوریم. (همو، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۵۶ و ۳۶۹؛ نیز در ج ۱، ص ۲۵۳ همان نماز با اندک زیادتی نقل شده است؛ دعای ماه رجب در ج ۲، ص ۸۰۰ و ۸۰۳ و زیارت مشاهد مشرفه در ماه رجب در ج ۲، ص ۸۲۱)

۶. همچنین شیخ درجایی که فرد راوی مختلف الروایه است، یعنی برخی از روایاتش شناخته شده و برخی روایاتش منکر و ناشناس هستند اما حدیث یا دعایی را روایت کرده، روایت را از او می‌پذیرد؛ مانند أَبُو یَحْيَى الصَّنَعَانِي^{۱۴} که نماز نیمه شعبان و دعای آن را نقل کرده است. (همان، ج ۲، ص ۸۳۰)

۷. شیخ از روایانی که هیچ‌گونه سخنی از آن‌ها در کتب رجالی نیست و در اصطلاح متأخرین مجهول‌اند، ادعیه‌ای را نقل کرده است؛ مانند اَلْعَبَّاسِ بْنِ مُجَاهِدٍ^{۱۵} که در سند یکی از ادعیه ماه شعبان قرار دارد. (همان، ج ۲، ص ۸۲۸) این دعا را مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى الْعَطَّارُ^{۱۶} که ثقة است و شیخ اجازه تلعبیری است،^{۱۷} از احمد بن مُحَمَّدِ السِّيَّارِي که او را ضعیف دانسته‌اند،^{۱۸} از عباس بن مجاهد نقل کرده است. در اینجا مشاهده می‌شود که شیخ فقط وثاقت محمد بن یحیی العطار را در نظر گرفته و بدون اشکال بر سند دعا را روایت کرده است. این سند از نظر متأخران ضعیف است، ولی شیخ طوسی در نسخه معتبر دعا را یافته، آن را پذیرفته و نقل کرده است.

نکته مهم برای یادآوری این است که کتاب رجال نجاشی و فهرست طوسی، فهرست کسانی است که صاحبان تألیف بوده‌اند؛ نبود نام یک راوی در این دو کتاب دلیل بر مجهول بودن او برای شیخ کلینی و شیخ صدوق و شیخ طوسی نیست؛ زیرا ممکن است آن راوی، صاحب کتاب نباشد.

۳-۷. راه حل برطرف شدن ضعف اسناد مصباح المتهدجد

با دقت در اسناد کتاب مصباح المتهدجد ضعف سندی و ارسال آن بنا بر نظر رجالیان متأخر مشهود است، پس چگونه می‌توان بر ادعیه این کتاب اعتماد کرد؟

پاسخ: در این کتاب، مشتقات استحباب ۱۵۷ مرتبه به کار رفته است^{۱۹} که نشان‌دهنده وجود روایت صحیح بر آن دعاها، نزد شیخ طوسی است. دیگر اینکه شیخ ابتدا مصباح‌المتجهد را تألیف کرده و سپس الفهرست را نوشته است.^{۲۰} با تفحص در کتاب الفهرست شیخ طوسی که به‌منزله کتاب‌نامه و فهرست منابع شیخ است و رجال نجاشی که تکمیل و تصحیح الفهرست شیخ طوسی است،^{۲۱} تعداد کتب ادعیه و زیارات که در زمان شیخ وجود داشته و در دسترس شیخ بوده بسیار است.

در الفهرست شش نفر کتاب یوم و لیله داشته‌اند. (نک: همو، بی‌تا، ص ۶۳، ۲۹۱، ۳۹۰، ۳۹۶، ۴۴۷ و ۴۶۲) دو نفر کتاب ادعیه السفر دارند. (نک: همان، ص ۷۴ و ۳۸۶) پنج نفر کتاب الدعاء نوشته‌اند. (نک: همان، ص ۱۵، ۲۶، ۵۱، ۱۳۵ و ۱۴۹) یک نفر کتاب الدعاء و السنن و الآداب دارد. (نک: همان، ص ۱۰) سه نفر دارای کتاب زیارت معرفی شده‌اند. (نک: همان، ص ۱۰۹، ۴۴۷ و ۵۳۸) سه نفر دارای کتاب المزار هستند. (نک: همان، ص ۱۳۶، ۱۴۰ و ۱۴۹) شیخ طوسی به سه نفر نسبت داده کتاب الآداب دارند. (نک: همان، ص ۶۸، ۷۲ و ۲۴۱) به چهار نفر هم داشتن کتاب آداب یا ادب نسبت داده است. (نک: همان، ص ۱۲۷ و ۵۹۱)

نجاشی در کتاب رجالش فهرست أسماء مصنفی الشیعة، نام ۱۸ تن را که کتاب یوم و لیله نوشته‌اند، ذکر کرده است. (نک: نجاشی، ۴۰۷ق، ص ۶۴، ۸۳، ۹۱، ۱۲۳، ۱۸۲، ۲۱۴، ۲۳۵، ۲۶۳، ۳۰۶، ۳۲۶، ۳۳۵، ۳۴۶، ۳۹۳، ۴۰۶، ۴۱۱، ۴۱۶ و ۴۴۱) از جمله این افراد یونس بن عبدالرحمن است^{۲۲} که کتاب یوم و لیله وی بر امام جواد علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام عرضه شده و امام او را تمجید کرده است. (کشی، ۱۴۹۰ق، ص ۴۸۴) نجاشی از ۲۳ نفر که کتاب الدعاء داشته‌اند نام برده و ۱۷ نفر از ایشان را ثقه و ممدوح دانسته است. (نک: همان، ص ۱۸، ۲۶، ۵۸، ص ۷۶، ۸۹، ۱۳۲، ۱۷۷، ۱۸۲، ۲۴۰، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۷، ۳۲۹، ۳۴۱، ۳۴۷، ۳۵۰، ۳۷۷، ۳۹۶، ۴۱۱، ۴۲۶ و ۴۳۸) بنا بر قول نجاشی چهار نفر کتاب ادعیه داشته‌اند. (نک: همان، ص ۸۸، ۲۳۲، ۳۷۴ و ۳۸۹) وی دو نفر را ثقه دانسته و یک نفر را ستوده است و گروهی شامل ۱۴ نفر دارای کتاب السنن و الآداب دانسته شده‌اند. (نک: همان، ص ۲۶، ۹۴، ۹۷، ۱۷۹، ۲۵۵، ۲۶۵، ۲۸۱، ۲۹۷، ۳۰۶، ۳۳۲، ۳۲۵، ۳۴۷، ۴۲۱ و ۴۴۶) وی یک نفر را صاحب کتاب المزار معرفی

کرده است. (نک: همان، ص ۴۸۸)

بنا به گزارش این دو فهرست، در مجموع ۷۷ عالم شیعی به تألیف اثری در زمینه ادعیه مبادرت ورزیدند. گزارش نجاشی و شیخ طوسی از این تألیفات از لحاظ کمیت تفاوت‌هایی با یکدیگر دارد. از میان مجموع ۷۷ نفری که به‌عنوان مؤلف کتاب دعا از آنان نام برده شده است، در ۲۹ مورد شیخ طوسی کتاب دعا یا زیارتی را که نجاشی برای یک مؤلف ذکر کرده، یادآور نشده و در ۵ مورد نیز از میان چند تألیف، فقط به برخی از آن‌ها اشاره داشته است. در مقابل، نجاشی فقط در یک مورد به کتابی که شیخ برای مؤلفی ذکر کرده، اشاره نکرده که این یک مورد نیز تألیفات دعایی خود شیخ طوسی است و در یک مورد دیگر نیز ذکر تمامی تألیفات دعایی مؤلف که شیخ طوسی بدان‌ها تصریح داشته، از سوی نجاشی مورد غفلت قرار گرفته است. این اختلاف موارد مشترک (اشخاصی که هر دو آن‌ها را ذکر کرده‌اند) را شامل است. از جنبه دیگر از میان ۷۷ صاحب اثر در زمینه دعا، شیخ طوسی از ۲۱ نفر در فهرست خود نام نبرده و این تعداد برای نجاشی تنها ۲ مورد است. (نک: نیلساز و رجایی فرد، ۱۳۹۷ش، ص ۳) چون شیخ بنا بر اختصار داشته، در *مصباح‌المتهجد* تنها سیزده مورد سند را به‌طور کامل بیان فرموده و در موارد دیگری نیز به نظر می‌رسد سند تماماً ذکر شده است. (طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۳۱۶ و ۳۹۹؛ ج ۲، ص ۴۹۹، ۵۲۳، ۵۳۰، ۷۱۷، ۷۵۲، ۷۵۹، ۷۶۴، ۷۸۸، ۸۰۰، ۸۰۳ و ۸۰۷) در روایات زیادی نیز سندها کوتاه شده و تنها نام راوی آخر یا اسامی یکی دو تن از روای ادعیه ذکر شده است. ۱۰۱ روایت با لفظ مجهول «رؤی» در این کتاب وجود دارد. در این کتاب از ۱۷۸ نفر راوی نام برده شده که کمتر از یک‌سوم آن‌ها بنا بر نظر متأخران ضعیف هستند و بقیه روای عین، ثقه یا ممدوح‌اند. یازده نفر از روای که نامشان در *مصباح‌المتهجد* ذکر شده، از زمره کسانی هستند که در *الفهرست* کتاب دعا دارند: ابن‌خانیه^{۳۳}، عبدالله بن سنان^{۳۴}، محمد بن عبدالله بن قضاة بن صفوان بن مهران جمال^{۳۵}، اسماعیل بن موسی بن جعفر^{۳۶}، محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب الشیبانی^{۳۷}، محمد بن عیسی^{۳۸}، ابو اسحاق^{۳۹}، صفوان بن یحیی^{۴۰}، احمد بن محمد بن سعید^{۴۱}، محمد بن یعقوب کلینی^{۴۲}، محمد بن حسن الطوسی^{۴۳}، ابن قولویه^{۴۴}، تلعبری^{۴۵} (در *الفهرست* کتابی به او نسبت داده نشده اما علامه مجلسی از کتاب وی به

نام *مجموع الدعوات* که در سال ۵۷۶ نوشته شده، مطالبی را نقل کرده است. تعدادی از راویان نیز در *الفهرست* دارای کتاب یا اصل معرفی شده‌اند.

با تفحص در کتاب *الفهرست* شیخ طوسی و رجال نجاشی که پس از آن نوشته شده، به دست می‌آید تعداد کتب ادعیه و زیارات که در زمان شیخ وجود داشته و در دسترس شیخ بوده بسیار است. ذکر نام صاحبان تألیف که خود شیخ هم جزء آنهاست، در *الفهرست* نشان‌دهنده آن است که شیخ از این کتاب‌ها در نوشتن *مصباح المتجهد* استفاده کرده؛ زیرا همان گونه که ذکر شد، *الفهرست* به منزله کتاب‌نامه و فهرست منابع شیخ - به اصطلاح امروز - است.

دیگر اینکه شیخ بنا بر مبنای قداما که اطمینان به صدور روایت را ملاک عمل می‌دانستند، کتاب *مصباح المتجهد* را برای عموم مردم نوشت؛ کسانی که بر اساس اعتماد بر وثاقت شیخ به دعاها و مستحبات عمل می‌کنند. مقام و موقعیت مؤلف این کتاب که از اجلاء ثقات است، ضعف اسناد آن را برطرف می‌کند. دیگر اینکه هرچند بر اساس تحلیل رجالی ضعف سند، اعتماد به کتاب را کاهش می‌دهد، با عمل اصحاب جبران می‌شود. (نک: ایروانی، ۱۳۸۸ش، ج ۳، ص ۹۶-۹۷) همه علمایی که کتاب دعا نوشته‌اند، بر متون ذکر شده آن اعتماد کرده و همان ادعیه را بدون کم‌وزیاد کردن، با عین همان الفاظ مأثوره نقل کرده‌اند. با در نظر گرفتن این امور *مصباح المتجهد* از ضعف سند - بنا بر روش تحلیل رجالی متأخران - مبرا می‌شود.

۴. کتب ادعیه مستقل متأخران

در این قسمت به بررسی مبانی مؤلفان کتب ادعیه‌ای که در زمره متأخران قرار دارند، پرداخته می‌شود.

۴-۱. المزار ابن مشهدی

ابوعبدالله محمد بن جعفر بن علی مشهدی حائری، معروف به محمد بن مشهدی یا ابن مشهدی، نگارنده کتاب *المزار* است که به درخواست ابوالقاسم هبةالله بن سلمان، کتاب خود را تألیف کرده است. *المزار* شامل زیارات معصومین است و لابه‌لای زیارات، اعمال ماه‌های رجب و شعبان ذکر شده و سپس اعمال و ادعیه ماه رمضان و عید فطر آورده شده است. مشهدی وعده داده تا «عمل یوم و لیلۃ» و نیز دعا‌های

روزهای هفته را هم بیاورد، اما چنین نکرده است.

مشهدی از کسانی است که در اجازات زیادی نامش ذکر شده^{۳۶} و کتابش را که از قدیمی‌ترین کتاب‌های مزار است، در زمره کتب معتبر برشمرده‌اند، «مزار محمد بن المشهدی... استظهر من بعض القرائن، أنه للشيخ محمد بن جعفر بن علي بن جعفر المشهدی الحائری الراوی عن أبي الفضل شاذان بن جبرئیل القمی، و یروی أيضا عن المفید بواسطین و هو سند عال.» (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۲۰، ص ۳۲۴) از مشهدی گاهی با عنوان حائری هم یاد شده است. محدث نوری با استناد به اجازه نجم‌الدین خضر بن نعمان - که از اجازات بحار الانوار نقل کرده - این دو عنوان را با یکدیگر برای وی آورده است: «و من ذلك ما رواه - یعنی والده - عن الشيخ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ جَعْفَرِ الْمَشْهَدِيِّ الْحَائِرِيِّ.»^{۳۷} (محدث نوری، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۳۶۲) دیگران نیز این دو عنوان را برای او نوشته‌اند. (حرّ عاملی، بی تا، ج ۲، ص ۲۵۲-۲۵۳؛ مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۰۶، ص ۲۱) به هر روی، با اتحاد داشتن یا تعدد این عناوین، تفاوتی پیش نخواهد آمد؛ هر دو ثقه‌اند. (مشهدی، ۱۴۱۹ق، مقدمه، ص ۱۷) اما آیت‌الله خویی این ادله را در اطمینان یافتن به هویت نویسنده المزار، کافی نمی‌داند. «لَمْ يَظْهَرْ لَنَا اعْتِبَارُ هَذَا الْكِتَابِ فِي نَفْسِهِ، فَإِنَّ مُحَمَّدَ بْنَ الْمَشْهَدِيِّ لَمْ يَظْهَرْ حَالُهُ بَلْ لَمْ يَعْلَمْ شَخْصُهُ.» (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۲) ایشان دلیلی بر سخن خویش بیان نفرموده‌اند، گویا دیگران منابعی در اختیار داشته‌اند که در دسترس ایشان نبوده است.

۲-۴. مبنای ابن مشهدی در گزینش مطالب

ابن مشهدی در ابتدای روایات و ادعیه اسناد آن را ذکر کرده و این امر سبب حجم بالای کتاب شده است. مؤلف کتاب المزار الکبیر در مقدمه کتابش نوشته: «فَإِنِّي قَدْ جَمَعْتُ فِي كِتَابِي هَذَا مِنْ فُنُونِ الزِّيَارَاتِ لِلْمَشَاهِدِ الْمُشْرِفَاتِ وَمَا وَرَدَ فِي التَّرْغِيبِ فِي الْمَسَاجِدِ الْمُبَارَكَاتِ وَالْأَدْعِيَةِ الْمُخْتَارَاتِ... مِمَّا اتَّصَلَتْ بِهِ مِنْ ثِقَاتِ الرُّوَاةِ إِلَى السَّنَادَاتِ.» (مشهدی، ۱۴۱۹ق، ص ۲۸)

در کتابم انواع زیارت‌نامه‌های مشاهد شریف و احادیثی را که درباره ترغیب به مشاهد مبارک است، در کنار دعاهای برگزیده، گرد آورده‌ام... همه این‌ها از طریق راویان ثقه به امامان می‌رسد.

۳-۴. تحلیل و نقد توثیق عام ابن مشهدی

متأخران بر اساس برداشت از کلمه «اتَّصَلَتْ» در عبارت «مِمَّا اتَّصَلَتْ بِهِ مِنْ ثِقَاتِ الرَّوَاةِ إِلَى السَّادَاتِ» در مقدمه کتاب مشهدی گفته‌اند؛ مشهدی به صراحت همه افراد مذکور در اسناد کتابش را توثیق کرده و محدث نوری بر این امر اصرار ورزیده است. (نوری، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۳۶۸) اما راویان ضعیفی مانند علی بن حسان هاشمی^{۳۸} (مشهدی، ۱۴۱۹ق، ص ۳۴۱)، عبدالرحمن بن کثیر^{۳۹} (همان جا)، محمد بن عبدالله بن مهران^{۴۰} (همان، ص ۳۴۸) در میان مشایخ با واسطه مشهدی هستند. «از مجموع ۳۸۰ راوی موجود در کتاب، تنها چهارده نفر از اساتید بدون واسطه نگارنده در گستره این توثیق عام قرار می‌گیرند.» (نک: رحمان ستایش و طباطبایی، بی تا، ص ۴۴-۵۰) به همین دلیل بر این سخن مشهدی نمی‌توان اعتماد کرد؛ زیرا منظور او وثاقت مشایخ بلاواسطه‌اش است نه اینکه راویان موجود در اسناد کتاب از ثقات هستند. فیومی در مقدمه‌اش بر المزار نوشته: «مشهدی حکم به صحت آنچه فقهای ثقه روایت کرده‌اند و در کتاب‌هایشان ثبت کرده‌اند، نموده است.» (مشهدی، ۱۴۱۹ق، مقدمه، ص ۱۷) یعنی ابن مشهدی هم با روش تحلیل فهرستی بر اساس کتاب‌شناسی مطالب خویش را صحیح دانسته است.

آیت‌الله خویی بر این باور است که سخن مشهدی در مقدمه المزار، به روشنی حاکی از توثیق همه راویان واقع در زنجیره اسناد کتاب است. (خویی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۵۱) اما ایشان به دلیل ناشناخته بودن هویت شخصی و حال رجالی نویسنده کتاب، شهادت نویسنده بر توثیق راویان کتابش را نمی‌پذیرد و آن را معتبر نمی‌داند. (همان جا)

اشکال دیگر اینکه ابن مشهدی از متأخران است، توثیقات این گونه افراد بر اساس حدس و نظر است نه بر اثر معاصرت با راوی و بر این گونه توثیقات اثری مترتب نمی‌شود. برای مثال آیت‌الله خویی تقییمات متعجب‌الدین قمی در تکملة الفهرست و ابن شهر آشوب مازندرانی در معالم العلماء را به دلیل معاصرت و نزدیکی به زمان راویان می‌پذیرد؛ زیرا این دو بر اساس حس و دیدن، ارزش‌گذاری راوی را نوشته‌اند؛ اما ارزش‌گذاری‌های احمد بن موسی بن حلی در حل الاشکال و ابن داوود حلی در رجال ابن داوود را نمی‌پذیرد؛ زیرا این دو نفر بر اساس اجتهاد و نظر خویش، ارزش‌گذاری‌هایشان را نوشته‌اند. (همان، ج ۱، ص ۴۳) به باور ایشان، متأخران، اخبار

خاصی در اختیار نداشته‌اند تا آرای خود را بر اساس آن‌ها بنیان بگذارند. از این رو، دیدگاه‌های رجالی‌شان بر اساس اجتهاد و حدس است، نه حس. پس توثیق ابن مشهدی از مشایخش فاقد اعتبار است.

نقد: ابن مشهدی فاصله زمانی چندان طولانی‌ای با روزگار شیخ طوسی ندارد تا بتوان به یقین حکم کرد که توثیقات او بر اساس حدس و گمان است؛ زیرا وی شاگرد ابن نماست و در سال ۵۶۹ هجری نیز بر او قرائت کرده است.^{۴۱} از دیگر سو، ابن نما، شاگرد ابوعلی، پسر شیخ طوسی است؛ بنابراین، ممکن است توثیقاتش بر اساس اخباری باشد که از قدما به او رسیده است. (نک: رحمان ستایش و طباطبایی، بی تا، ص ۴۴-۵۰) در نتیجه بر توثیق عام ابن مشهدی می‌توان اعتماد کرد؛ زیرا وی با روش متقدمان و با تحلیل کتاب‌شناسانه، احادیث صحیح را نقل کرده است و کتابش حاوی ادعیه مأثور محسوب می‌شود.

۴-۴. کتب ادعیه سید بن طاووس

در تاریخ ادبیات شیعه دوازده امامی شخصیت شاخص و برجسته قرن هفتم، رضی‌الدین علی بن موسی بن طاووس الحسینی الحسینی است. در این دوره، نهضت احیاء ادعیه و اذکار که با سید بن طاووس آغاز شده، جایگاه ویژه‌ای را به وی اختصاص داده است. «او متعلق به خاندانی سرشناس و مردی پرهیزگار و عالمی بزرگ بود... سید بن طاووس در جهان تشیع شهرت بسزایی دارد.» (کلبرگ، ۱۳۷۱ش، ص ۱۳-۱۴) کتاب‌های او در تکمیل مصباح‌المتهجد شیخ طوسی نوشته شده و جامع‌ترین موسوعه در زمینه دعاست. «پس از وی شیعه وامدار او در ادعیه گردید تا جایی که بسیاری از آثار او بارها به فارسی ترجمه شده است.» (ناشناس، ۱۳۷۶ش، ص ۲۳) ابن طاووس با جستجوی کم‌سابقه از مجموعه آنچه در اختیارش بوده، ادعیه را استخراج کرده است. این اقدام او قبل از فتح بغداد توسط مغولان بوده است، او توانسته از مجموعه‌ای از کتاب‌ها که به اعتراف خودش بیش از هفتاد کتاب دعا بوده است، استفاده کند. (ابن طاووس، ۱۴۱۱ق، ص ۳۴۷) بسیاری از این کتاب‌ها که در قرن سوم تا ششم تألیف شده و اکنون در اختیار ما نیست در دسترس ابن طاووس بوده است. برای سید بن طاووس هفده کتاب در زمینه دعا برشمرده‌اند که بعد از سال ۶۳۵ به نوشتن آن‌ها اقدام

کرده است.^{۴۲} مهم ترین آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. اقبال الأعمال؛ ۲. جمال الاسبوع؛ ۳. الدرر الواقیه من الاخطار فیما یعمل فی شهر یوم علی التکرار؛ ۴. فتح الابواب بَین ذوی الالباب و بین رَبِّ الأرباب فی الاستخارات؛ ۵. الأمان من اخطار الاسفار والزمان؛ ۶. فلاح السائل و نجاح المسائل فی عمل الیوم و اللیل؛ ۷. المجتنی من الدعاء المجتبی؛ ۸. مصباح الزائر الکبیر؛ ۹. مصباح الزائر الصغیر؛ ۱۰. اسرار الصلاة؛ ۱۱. اسرار الدعوات؛ ۱۲. الاسرار المودعة فی ساعات اللیل و النهار؛ ۱۳. مسالک المحتاج الی الله فی مناسک الحاج؛ ۱۴. زهرة الربیع فی ادعیه الاسباع؛ ۱۵. المضمار للسباق و اللحاق. کتب شماره نه به بعد تاکنون به طبع نرسیده است. کتاب شانزدهم **مهج الدعوات و منهج العبادات** است. سید بن طاووس در مقدمه کتابش علت نام‌گذاری کتاب به **مهج الدعوات و منهج العبادات** را ذکر کرده؛ او معتقد است که این ادعیه منتخب که در رساله‌اش جمع‌آوری کرده، به منزله جان و حیات نسبت به دیگر ادعیه است و این دعاها برای طالبان دعا به منزله راه راست هستند. (ابن طاووس، ۱۴۱۱ق، ص ۳) سید در این کتاب حرز و قنوت و حجب و دعا‌های عظیم القدر را نوشته است. کتاب مربوط به امور طلسمات بوده و در آن‌ها از تعویذات و ادعیه بهره گرفته شده و مشتمل بر انواع حرزهای چهارده معصوم علیهم‌السلام، قنوت‌های ائمه معصومین علیهم‌السلام و ادعیه مأثور است. در این کتاب غیر از دعا و حرز، چیزهای دیگر مانند نمازها، زیارت‌ها، احکام و... نوشته نشده است. از اشکالات این کتاب با وجود اسناد کامل برخی ادعیه، بی سند بودن برخی دعاهاست که نشان می‌دهد سید سند آن‌ها را نداشته است و شاید هم دعا‌هایی در نزد وی مورد قبول بوده ولی سند آن‌ها را به دست نیآورده است. پس می‌توان گفت در زمان او نیز ادعیه‌ای غیر مأثور، جعلی و بدون سند وجود داشته که سید بنا بر پاکی روح و خوش بینی بالای خویش، بدون نقادی لازم، آن‌ها را پذیرفته و در کتابش نقل کرده است.

در **مهج الدعوات** در حرز سوم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم اشکالاتی دیده می‌شود: دارای تکلف در سجع است، پیامبر را تنها «ابن آمنه» (همو، ۱۳۸۸ش، ص ۱۰) خوانده که این عدم نسبت به پدر را می‌توان نوعی بی ادبی دانست. این حرز به روایتی دیگر هم نوشته شده که این دو باهم هیچ شباهتی ندارند و مشخص نیست که چرا آن را روایت دیگر حرز

سوم نامیده است. در ابتدای حرز دوم امیرالمؤمنین^ع حروفی و کلماتی نوشته شده که قابل ترجمه نبوده و تنها یکی دو کلمه عربی است - گویا بقیه به عبری باشد- و در انتهای حرز، اشکال و حروف نامفهوم طلسم نوشته شده است. (همو، ۱۴۱ق، ص ۱۸)

حرز اول امام باقر^ع نیز از همین حروف نامفهوم و شکل‌های طلسم دارد. آیا این طلسم‌ها مروی از ائمه و مأثور است؟ چگونه است که در دیگر کتب ادعیه معتبر، از این طلسم‌ها اثری دیده نمی‌شود؟

۵-۴. روش و مبانی سید بن طاووس

ابن طاووس در مقدمه بر یکی از کتاب‌هایش متذکر شده که مطالب کتاب را از آنچه از پیشوایان معصوم^ع روایت شده، گاه بدون ذکر سلسله سند حدیث و نیز نام کتاب‌هایی که روایتی از آنها انتخاب کرده و به آنها اعتماد کرده، به جهت رعایت اختصار بیان کرده است. (همو، ج ۱، ص ۸-۹) این کلام او نشان می‌دهد که از روش تحلیل رجالی در گزینش ادعیه استفاده نکرده است. ابن طاووس با تأکید بر اهمیت زیاد حدیث، احادیث امام^ع را منبع اصلی دانش دین می‌داند. وی در کتابش شریف مرتضی را به دلیل نپذیرفتن خبر آحاد مورد انتقاد قرار داده است و برای اثبات درستی پذیرش خبر آحاد به عمل خود سید مرتضی استشهاد می‌کند: «شاهد عمل ذوی الاعتبار وجد المسلمین والمرتضی و علماء الشیعة الماضین عاملین بأخبار» (همو، ۱۳۶۸ق، ص ۴۲) از ویژگی‌های روش ابن طاووس آن است که وی متن روایات را بدون هیچ دخل و تصرفی می‌آورد و نقل به معنا ندارد. (غلامعلی، ۱۳۹۰ش، ص ۱۶۳)

سید اگر دعاهای روایت شده از معصومین^ع را مختصر دیده یا دعایی در مواردی نیافته، از خود دعایی انشا می‌کند.^{۳۳} «ابن طاووس در مواردی ادعیه‌ای از انشای خود نقل کرده و با تعبیری چون "دعاء من خاطری"، "الفاظ من خاطری"، "دعاء آورده الله عزوجل علی خاطری"، "دعوات وردت علی خاطری"، "دعاء أنشأناه" مشخص کرده است.» (کلبرگ، ۱۳۷۱ش، ص ۱۴۸) وی برای توجیه کارش به دو حدیث استناد کرده: «فقد رأیت فی کتاب عبدالله بن حماد الأنصاری فی النصف الثانی منه عند مقدار ثلثه بإسناده قلت لأبی عبد الله ع علمنی دعاء، فقال إن أفضل الدعاء ما جرى علی لسانک. و روی سعد بن عبدالله فی کتاب الدعاء بإسناده عن زرارة قال قلت لأبی عبد الله ع علمنی

دعاء، فقال إن أفضل الدعاء ما جرى على لسانك.» (همو، ۱۴۰۹ق [ب]، ص ۱۹)
 سید بن طاووس در نقل این دو حدیث منفرد است. در کتب پس از او، این احادیث با استناد به سید بن طاووس دیده می شود. (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، باب ۷، ص ۱۳۹) در شرح این دو حدیث احتمال داده اند که منظور ادعیه مأثور باشد؛ زیرا آن ها بر زبان به راحتی جاری می شوند و تلفظ سختی ندارند. (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۴۳۳) برخی نیز گفته اند: «شاید این دستور مربوط به زمانی باشد که برای گرفتن حاجتی خاص دعا می کنیم و الا روشن است که معارفی که در ادعیه مأثور نهفته است، در گفته های هیچ حاجتمندی پیدا نمی شود و از دیگر سو، هدف بسیاری از دعاهای مأثور تقرّب به خداوند است؛ نه فقط گرفتن حاجات.» (محمدی شاهرودی، ۱۳۸۱ش، ص ۶۲)

تأکید ابن طاووس بر زیارات و پافشاری بر اهمیت روزهای یادبود شیعی و نمازهای مستحب و دیگر اعمال عبادی، دفاع وی از کارهایی نظیر استخاره با رقع،^{۴۴} استفاده از تعویذ برای معالجه امراض،^{۴۵} استفاده و توسل به اخترشناسی^{۴۶} نشان دهنده عناصر توده ای و عوامانه در اندیشه اوست. سید در مواردی دستوری داده که سابقه ای ندارد و از دیگری نقل نشده، مانند دستور به غسل الصلاة و غسل الدعوات (سید بن طاووس، ۱۳۷۵ش، ص ۳۴) که صاحب وسائل می گوید: «لا يحضرنی فیهما نص سوی ما هنا من روایة ابن طاووس.» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۱، ص ۳۶۹)

وی با تعبد بی چون و چرا در هر کتابی هر چیزی را می باید هر چند سند ندارد، آن را ذکر کرده و دستور به اجرای آن می دهد. مثلاً در نماز شب عید غدیر با اینکه خودش اعتراف به نبود سند دارد و از لحاظ متن نیز اشکال دارد، نوشته است: «وجدنا فیها (وی نام و نشان کتاب را ذکر نکرده است) صلاة مذکورة فی کتب العبادات، و الصلاة خیر موضوع و خیر مسموع عام فی سائر الصلوات ذکر صفة هذه الصلاة فی ليلة الغدير: ...» (سید بن طاووس، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۳۷) این نماز و جاده ای است، به جز این، نماز دوازده رکعت پیاپی، بدون سلام در هر دو رکعت است، گویا سید متوجه نبوده که همه نمازهای مستحبی دورکعتی هستند. دلیل بر این موضوع سیره همه متدینین است که بر اساس دستور شارع بنا شده است. به علاوه در برخی روایات بر این امر تصریح شده است؛ از جمله حدیثی که ابوبصیر نقل کرده است: از قول امام باقر علیه السلام «إفصل بین کُلِّ

رُكْعَتَيْنِ مِنْ نَوَافِلِكَ بِالتَّسْلِيمِ» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ص ۶۳، الباب ۱۵ من أبواب اعداد الفرائض و نوافلها، حدیث ۳؛ همو، ۱۴۱۸ق، ج ۲، ص ۶۵)

ابن طاووس معتقد است به روایت هرکسی که به‌عنوان یک فرد راست‌گو و امانت‌دار شناخته می‌شود، می‌توان اعتماد کرد، چه امامی باشد یا از فرق مذهبی دیگر؛ مثلاً محمد بن سنان اگرچه در عقیده مورد طعن بوده، در حدیث و امانت‌داری موثق بوده است. (سید بن طاووس، ۱۴۰۶ق، ج ۱، ص ۹۸) وی کعب الاخبار و عبدالله بن سلام را از خواص حضرت علی علیه السلام می‌داند و توقف در اخبار آن‌ها را درست نمی‌داند. (همو، ۱۳۷۰ش، ص ۸۰)

روی هم‌رفته تقییمات ابن طاووس چون بر اساس حدس است نه از روی حس، اثری ندارد و فاقد ارزش رجالی است.^{۴۷} همچنین به‌دلیل روحیه لطیف و غیر نقاد سید بن طاووس، بر ادعیه‌ای که او منفرد در نقل آن‌هاست، نمی‌توان اعتماد کرد و نباید این ادعیه را مأثور دانست.

۴-۶. مفاتیح الجنان و مبنای شیخ عباس قمی

شیخ عباس قمی، محدث قمی، *مفاتیح الجنان* را به درخواست جمعی از مؤمنین برای تصحیح و تکمیل کتاب *مفتاح الجنان* تألیف کرد. وی در مقدمه نوشته، آنچه از ادعیه *مفتاح الجنان* که سند دارد به‌علاوه ادعیه معتبر دیگر ذکر می‌کند و چیزهایی که سندش به نظرش نرسیده نمی‌نویسد، هرچند در این کار برخی اوقات موفق نبوده و مطالب غیر مأثور مانند خواب‌ها و دستورات برخی بزرگان را هم در کتاب آورده است که همین امر سبب طعن بر کتاب او شده است. وی علاوه بر ادعیه، مطالب مفیدی نیز به قلم خودش می‌نویسد. وی در قسمتی از کتاب دربارهٔ زیادتیه‌هایی که برخی به ادعیه اضافه می‌کنند و یا دعاهایی بدون سند را رواج می‌دهند، گلایه کرده و نوشته است: «این زیارت معروف به زیارت وارث است و مأخذش کتاب *مصباح المتجهد* شیخ طوسی است... و من این زیارت را بلاواسطه از همان کتاب شریف نقل کردم، آخر زیارت شهدا همین بود که ذکر شد: "فَيَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ مَعَكُمْ" پس این زیادتیه‌ها که بعضی بعد از این ذکر کرده‌اند: "فِي الْجَنَانِ مَعَ النَّبِيِّينَ وَ الصَّادِقِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصَّالِحِينَ وَ حَسَنَ أَوْلِيكَ رَفِيقًا السَّلَامَ عَلَيَّ مَنْ كَانَ فِي الْحَاثِرِ مِنْكُمْ وَ عَلَيَّ مَنْ لَمْ يَكُنْ فِي الْحَاثِرِ مِنْكُمْ" تا

آخر... تمامی این‌ها زیادی و فضولی است. شیخ ما (میرزا حسین نوری) در کتاب *لؤلؤ مرجان* فرموده این کلمات که متضمن چند دروغ واضح است، علاوه بر جسارت ارتکاب بر بدعت و جسارت افزودن بر فرموده امام علیه السلام چنان شایع و متعارف شده که چند هزار مرتبه در شب و روز در حضور مرقد منور ابی عبدالله الحسین علیه السلام به آواز بلند خوانده می‌شود و احدی از گفتن این دروغ و ارتکاب این معصیت نهی نمی‌نماید. «قمی، پس از زیارت هفتم امام حسین علیه السلام قبل از زیارت حضرت عباس علیه السلام) او در ادامه حتی اجازه نمی‌دهد نام کتاب بر این گونه مجموعه‌ها که پایه‌ای در روایات معصومین علیهم السلام ندارند، نهاده شود. وی کتاب *مفتاح الجنان* را جمع کرده برخی عوام شمرده و از بدعت‌های مختصر مثل غسل اویس قرن، آش ابو الدرداء تابع و مخلص حقیقی معاویه و روزه صمت که در روز سخن نگویند، نام برده است. شیخ عباس قمی در ادامه از متروک ماندن کتبی همچون کتاب *مصباح المتجهج*، *اقبال*، *مهج الدعوات*، *مصباح الزائر*، *بلد الامین*، *مفتاح الفلاح*، *زاد المعاد* و چند کتاب دیگر و رواج امور غیر معتبر مثل اضافه کردن کلماتی در متون دعا یا نوشتن خاصیت‌هایی بر ساخته برای هر فصل دعای جوشن کبیر، جعل زیارت مفجعه و دعای حبی - که شیخ عباس آن را در نهایت بروقت خوانده - اظهار ناراحتی کرده و نوشته «شایسته است که انسان از شنیدن این‌ها عوض خنده، گریه کند.» (همان، پس از زیارت هفتم امام حسین علیه السلام).

حاج شیخ عباس پس از اشاره به دقت در نسخه‌برداری و مقابله کتب ادعیه به کتاب *مفتاح الجنان* حمله کرده و از بی‌اعتنایی اهل علم به حدیث و اخبار و نهی ننمودن از این بدعت‌ها و دس و ضاعین و تحریف جاهلان و تحریف کتاب‌های خودش سخن گفته و بر عدم تصرف در کتب ادعیه اصرار فرموده است. او در ادامه نوشته: برای اتمام حجت، سعی و کوشش بسیار کردم که دعاها و زیارات منقوله در این کتاب حتی الامکان از نسخه‌های اصل نقل شود و بر نسخ متعدده عرضه شود و به قدری که از عهده برآیم، تصحیح آن نمایم تا عامل به آن از روی اطمینان عمل نماید. (همان‌جا)

در رد *مفاتیح الجنان* شیخ عباس قمی، کتابی از سوی ابوالفضل برقعی به نام *تضاد مفاتیح الجنان* با قرآن نوشته شده است که در مقالاتی چون «بررسی انتقادی کتاب *تضاد مفاتیح الجنان* با قرآن و اشکالات آن» (سرور، ۱۳۹۳-۱۳۹۴) و پایان‌نامه بررسی

لغزش‌های تفسیری نووهابیان با تکیه بر کتاب تضاد مفاتیح الجنان با قرآن (اقارب پرست، ۱۳۹۱) پاسخ سخنان نادرست برقی داده شده است.

به تازگی کتاب مفاتیح نوین به وزان مفاتیح الجنان توسط آیت‌الله مکارم شیرازی با ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی تألیف شده است. نکته قابل توجه آن است که آقای مکارم شیرازی تسامح در ادله سنن را قبول ندارد: «و قد ذکرنا غیر مرّة أنّ التسامح فی أدلة السنن غیر ثابتة عندنا.» (طباطبایی یزدی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، حاشیه ص ۴۵۵) مؤلف در مقدمه این کتاب آورده: مفاتیح نوین نسخه اصلاح شده مفاتیح الجنان بوده و با هدف رعایت تناسب با زمانه انتشار یافته و با همین رویکرد، بخش‌هایی از آن که دارای اشکال و ایراد دانسته شده، حذف شده است و ادعیه و اذکار دیگری که بنا بر تشخیص مؤلف، مفید در همان موضوع است به کتاب مفاتیح الجنان اضافه شده است.

۵. نتیجه‌گیری

ادعیه در زمره اخبار آحاد هستند و از جمله عناصر دخیل در استدلال به حدیث، صحت سند و قابلیت آن برای اعتماد و استناد است؛ قدما با مجموعه‌ای مختصر یا گسترده از روایات و ادعیه صحیح، بر اساس منابعی که در دسترس داشته‌اند، کتاب‌هایشان را تألیف کردند. پیشینیان امامیه با روش کتاب‌شناسانه و تحلیل فهرستی، حدیث موثوق الصدور را با احراز قراین صحت، دارای اعتبار و درخور پذیرش دانسته‌اند. گروهی از متقدمان، اسناد زیارات و ادعیه را نوشته‌اند و برخی جهت اختصار اسناد را ذکر نکردند. شیخ کلینی، شیخ صدوق، طوسی و ابن قولویه غالباً آثار خود را از روی منابع پیشین تدوین می‌کردند و در این کار گزینش، جامعیت، ترتیب نو و طرح مسائل جدید را در نظر داشتند و طبعاً به روایات تازه‌ای نیز دست می‌یافتند که در کتاب قدما وجود داشت یا از طریق نقل شفاهی به آن‌ها رسیده بود. «مبنای علمای قدیم شیعی در ارزش‌گذاری روایات افزون بر وثاقت راوی، وجود روایت در کتابی مشهور و البته همراه با صحت انتساب کتاب به مؤلف آن و تحمل و انتقال کتاب توسط مشایخ حدیث و وصول کتاب به آنان از طریق معتبر استوار بوده است؛ از این رو گاهی دیده می‌شود راوی بر اساس اصطلاح رایج موثق نیست اما علمای شیعی کتاب او را پذیرفته‌اند.» (عمادی حائری، ۱۳۹۴ش، ص ۱۸۱) محدثان قدیم شیعی

با روش کتاب‌شناسانه، بیش از آنکه بر راوی و تضعیف و توثیق او تأکید ورزند، به متن مکتوب، اعتبار و حجیت آن تأکید داشتند اما بر اساس معیار متأخران عدم ذکر اسناد، ارسال یا وجود راوی ضعیف، موجب ضعف سند می‌گردد. هرچند ضعف سندی اعتماد به کتاب را کاهش می‌دهد اما دلیلی بر وضع کل کتاب نیست؛ زیرا عمل اصحاب، جلیل‌القدر بودن مؤلفان متقدم، اعتماد همه علمای متأخر بر متون ذکر شده در کتب ادعیه متقدمان و ذکر همان ادعیه در کتاب‌هایشان، جبران‌کننده ضعف سندی ادعیه بنا بر اصطلاح متأخران است. بنابراین هرگاه دعایی در کتب پیشینیان باشد، به آن اعتماد بیشتری می‌توان داشت و باید آن را از ادعیه متأثر محسوب نمود.

در مجموع، آنچه در کتاب‌های ادعیه معتبر دیده می‌شود عبارت‌اند از: سعی بلیغ همه مؤلفان بر نقل ادعیه متأثر از اهل بیت (علیهم‌السلام)، عدم نقل به معنا و اصرار بر نقل الفاظ ادعیه بدون هیچ‌گونه تصرف، دقت در نقل از مشایخ و ثقات و کتب معتبر، تغییر در دسته‌بندی و تبویب کتب و اضافه کردن احادیث مربوط به هر موضوع، در طول زمان، به جز یکی دو مورد نادر^{۴۸} هیچ‌کس دعایی از خود اختراع نکرده است، اعتماد صددرصد متأخران بر متقدمان، پیشینیان بر اساس مبانی رایج در زمان خود ادعیه صحیح مورد اعتمادشان را نوشته و پسینیان نیز همان‌ها را بدون دخل و تصرف در کتاب‌هایشان آورده‌اند.

پی‌نوشت‌ها

۱. صاحب کتاب *معالم العلماء* وفات وی را آخر محرم سال ۴۵۸ تعیین کرده است. (ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۸۰ق، ص ۱۱۴)
۲. این کتاب در جلد پنجم مجموعه *مصنفات شیخ مفید* رحمه الله چاپ شده است.
۳. از آنجا که زیارات شامل دعا هستند، آن‌ها هم در زمره ادعیه محسوب می‌شوند.
۴. این، نامی است که ابن قولویه، خود در مقدمه کتاب، بدان تصریح کرده است. (۱۳۹۸ق، ص ۳۷)
۵. «مُحَمَّدُ بْنُ يُحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الدَّهْقَانِيِّ عَنْ دُرُسْتِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ عَبْدِ أَحْمِيدَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ (الرضا) ع.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۲۵۳، ح ۱)
۶. در *بحار الانوار*، به نقل از نسخه‌ای از *کامل‌الزیارات*، عبارت مقدمه این گونه آورده شده است: «بأثر ذلك عنهم غير المعروفين بالرواية المشهورين بالحديث والعلم.» (مجلسی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۷۵) در مقدمه *کامل‌الزیارات* «يُؤْتَرُ» ثبت شده است.
۷. مانند: «ذَكَرَ أَبُو الْقَاسِمِ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ قَوْلَوَيْهِ رَحِمَهُ اللَّهُ فِي كِتَابِ الزِّيَارَاتِ أَنَّهُ رَوَى سَالِمُ بْنُ

عَبْدُ الرَّحْمَنِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ...» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ج ۲، ص ۸۵۳)

۸. او عبدالکریم بن عمرو الخثعمی است. او امامی ثقه بوده، کان ثقة ثقة عینا. (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۴۵)؛ اما بعد واقفی شده، واقفی خبیث. (طوسی، ۱۳۸۱ق، ص ۳۳۹؛ کشی، ۴۹۰ق، ص ۵۵۵) گویا مشایخ ما قبل از وقفش از او اخذ حدیث داشته‌اند.

۹. عامی است که وثاقتش نزد ما ثابت نشده؛ زیرا در کتب رجالی مهمل است.

۱۰. نجاشی می‌گوید: او مرد بزرگی از اصحاب حدیث است که مشهور به حفظ می‌باشد. وی کوفی بود و تا زمانی که مُرد زیدی و جارودی بود و اصحاب ما به خاطر اختلاط و رفت‌وآمد با او و بزرگی جایگاهش، ثقه بودن و امانتش، از او روایت کرده‌اند. (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۹۴؛ طوسی، بی‌تا، ص ۶۹)

۱۱. عامی ضعیفی است که نه وثاقت خودش و نه وثاقت احادیث کتابش نزد ما اثبات نشده است.

(نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۴۳۰؛ طوسی، ۱۳۸۱ق، ص ۳۰۳ و ۴۸۸؛ کشی، ۴۹۰ق، ص ۳۱۰)

۱۲. صحابی است که شهادتش بر حدیث الغدیر را کتمان کرد؛ حتی روایت کرده‌اند حدیث غدیر را تکذیب کرد. (کشی، ۴۹۰ق، ص ۴۴)

۱۳. کنیه‌اش ابا عبد الله بود وی فردی کثیر الروایة است، اما در آخر عمرش اختلال پیدا کرد. گروهی از شیعیان از او روایت کرده‌اند. (طوسی، ۱۳۸۱ق، ص ۴۱۳) او حدیث را می‌شنید و بر آن می‌افزود؛ در آخر عمرش پریشانی حواس پیدا کرد. (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۸۶)

۱۴. امامی است که وثاقتش اثبات نشده، جداً ضعیف است به او التفات نمی‌شود. (ابن غضائری، ۱۳۶۴ق، ص ۷۵) برخی چیزها در حدیثش مقبول است و برخی دیگر ناشناس. (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۸۴)

۱۵. مجهول است. نام این فرد در کتاب‌های ثمانیه رجالی و معجم رجال خویی موجود نیست.

۱۶. امامی است که ظاهراً مذهب صحیح دارد، شیخ اصحابنا فی زمانه، ثقة عین. (همان، ص ۳۵۳؛ ابن داود، ۱۳۸۳ق، ص ۳۴۰)

۱۷. درباره احمد بن محمد بن یحیی العطار، شیخ طوسی در کتاب رجالش، باب من لم یرو عنهم، ص ۴۴۴، به رقم ۳۶، گفته: «روی عنه التلعکبری، و اخیرنا عنه الحسین بن عبدالله، و أبو الحسین بن اَبی جید القمی، و سمع منه سنة ۳۵۶ هـ، و له منه إجازة.» در این سخن شیخ به صراحت بیان شده که تلعکبری از محمد بن یحیی العطار اجازه داشته و او شیخ اجازه تلعکبری بوده است.

۱۸. ضعیف جدا. فاسد المذهب. (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۸۰) ضعیف الحدیث فاسد المذهب مجفوف الروایة، کثیر المراسیل. (طوسی، بی‌تا، ص ۵۷)

۱۹. مرتبه کلمه «یَسْتَحَبُّ»، ۲ مرتبه «مُسْتَحَبُّ»، ۳ مرتبه «إِسْتَحَبُّ» و ۵ مرتبه «اسْتِحْبَابًا» و یک مرتبه «مُسْتَحَبَّان» به کار رفته است.

۲۰. وی در شرح حال خودش نام کتاب‌هایی را که تا آن زمان نوشته ذکر کرده، یکی از کتاب‌هایش مصباح‌المتهجج است. «و له مختصر فی عمل یوم و لیلة، و له مناسک الحج فی مجرد العمل و الأدعیه،

- و له كتاب مصباح المتعجل في عمل السنة كبير. (همان، ص ١٦١)
٢١. نجاشي كتابش را بعد از كتاب شيخ طوسي نوشته و كلماتش ناظر به كلمات شيخ طوسي است. (زنجاني، ١٤١٩ق، ج ٢٠، ص ٦٥٦١)
٢٢. كان وجها في أصحابنا، متقدما، عظيم المنزلة. (نجاشي، ١٤٠٧ق، ص ٤٤٦)
٢٣. احمد بن عبد الله بن مهران المعروف بابن خانبه أبو جعفر كان من أصحابنا الثقات و ما ظهر له رواية، و صنف كتاب التأديب و هو كتاب يوم و ليلة. (طوسي، بی تا، ص ٢٦)
٢٤. عبدالله بن سنان ثقة، له كتاب... و له كتاب يوم و ليلة أخبرنا به جماعة عن التلعكبري عن ابن عقدة عن جعفر بن عبد الله العلوي عن الحسن بن الحسين السكوني عن عبد الله بن سنان. (همان، ص ١٠١)
٢٥. محمد بن احمد بن عبد الله بن قضاة يكنى أبا عبد الله الصفواني، من ولد صفوان بن مهران الجمال، صاحب الامام الصادق عليه السلام و كان حفظة كثير العلم جيد اللسان، و قيل إنه كان أميا، و له كتب أملاها من ظهر قلبه، منها... و كتاب يوم و ليلة... أخبرنا بها جماعة، منهم الشريف أبو محمد الحسن بن القاسم المحمدي و الشيخ المفيد عنه. (همان، ص ١٣٣)
٢٦. اسماعيل بن موسى بن جعفر بن محمد بن علي بن الحسين بن علي بن أبي طالب عليه السلام، سكن مصر و ولده بها، و له كتب يروها عن أبيه عن آبائه عليهم السلام موية، منها... كتاب الدعاء، كتاب السنن و الآداب، ... أخبرنا بجميعها الحسين بن عبيد الله، قال أخبرنا أبو محمد سهل بن احمد بن سهل الديباجي، قال حدثنا أبو علي محمد بن محمد بن الأشعث بن محمد الكوفي بمصر قراءة عليه من كتابه، قال حدثنا موسى بن اسماعيل بن موسى بن جعفر عليه السلام، قال حدثنا أبي اسماعيل. (همان، ص ١٠-١١)
٢٧. محمد بن عبد الله بن المطلب الشيباني يكنى أبا المفضل كثير الرواية حسن الحفظ غير أنه ضعفه جماعة من أصحابنا، ... و له كتاب المزار و غير ذلك، أخبرنا بجميع كتبه و رواياته عنه جماعة من أصحابنا. (همان، ص ١٤٠)
٢٨. محمد بن عيسى الطلحي، له دعوات الأيام التي تنسب إليه، يقال أدعية الطلحي، أخبرنا بها ابن أبي جيد عن محمد بن الحسن عن محمد بن الحسين بن عبد العزيز عنه. (همان، ص ١٣٠)
٢٩. ابراهيم بن سليمان بن عبد الله بن حيان النهمي، بطن من همدان الخزاز الكوفي أبو إسحاق، ثقة في الحديث... له من الكتب ... كتاب الدعاء... أخبرنا بجميع كتبه و رواياته احمد بن عبدون عن أبي الفرج محمد بن أبي عمران موسى بن علي بن عبدويه القزويني، قال حدثنا أبو الحسين موسى بن جعفر الحائري، قال حدثنا حميد بن زياد، قال أخبرنا ابراهيم، و أخبرنا احمد بن عبدون عن أبي طالب الأنباري عن ابن أبي جيد [حميد] عنه. (همان، ص ٦)
٣٠. صفوان بن يحيى مولى بجيلة، يكنى أبا محمد، يباع السابري، أوثق أهل زمانه عند أصحاب الحديث و أعبدهم... و له كتب كثيرة ... و كتاب الآداب، أخبرنا بها احمد بن عبدون عن ابن الزبير عن زكريا بن شيبان عنه. (همان، ص ٨٣-٨٤)

۳۱. احمد بن محمد بن سعید بن عبد الرحمن بن زیاد بن عبید الله بن زیاد بن عجلان مولی عبد الرحمن بن سعید بن قیس السیعی الهمدانی المعروف بابن عقدة الحافظ ... و له کتب کثیره، ... کتاب الآداب و هو کتاب کبیر یشتمل علی کتب کثیره، مثل کتاب المحاسن، ... أخبرنا بجمع روایاته و کتبه أبو الحسن احمد بن محمد بن موسی الأهوازی و کان معه خط أبي العباس بإجازته و شرح روایاته و کتبه عن أبي العباس احمد بن محمد بن سعید... (همان، ص ۲۸-۲۹)

۳۲. محمد بن یعقوب الكلینی یکنی أبا جعفر ثقة عارف بالأخبار له کتب منها، کتاب الکافی یشتمل علی ثلاثین کتاباً أوله کتاب العقل و فضل العلم ... و کتاب الدعاء ... أخبرنا بجمع کتبه و روایاته الشیخ المفید ... عن أبي القاسم جعفر بن محمد بن قولویه عنه، و أخبرنا الحسين بن عبیدالله قراءة علیه أكثر کتبه من الکافی عن جماعة، منهم أبو غالب ... الزراری و أبو القاسم جعفر بن محمد بن قولویه، و... بابن أبي رافع، و ... التلعکبری، و ... الشیبانی کلهم عن محمد بن یعقوب، و أخبرنا السيد الأجل المرتضى عن أبي الحسين احمد بن علی بن سعید الکوفی عن الكلینی، و أخبرنا أبو عبدالله احمد بن عبدون عن ... الصیمری و أبو الحسن عبدالکریم بن عبدالله بن نصر البزاز بتفلیس و بغداد عن الكلینی بجمع مصنفاته و روایاته... (همان، ص ۱۳۵-۱۳۶)

۳۳. محمد بن الحسن بن علی الطوسی، مصنف هذا الفهرست، له مصنفات منها... کتاب الزیارات، ... و له کتاب الجمل و العقود فی العبادات مختصر... و له مختصر فی عمل یوم و لیله، و له مناسک الحج فی مجرد العمل و الأدعیه، و له کتاب مصباح المتعبد فی عمل السنة کبیر، ... و له کتاب مختصر المصباح فی عمل السنة،... (همان، ص ۱۵۹-۱۶۰)

۳۴. همان، ص ۴۲، رقم ۱۳۰.

۳۵. وجدت هذا الخبر فی أصل قديم أظنه «مجموع الدعوات» لمحمد بن هارون ابن موسی التلعکبری عن أبي الفتح غازی بن محمد الطرانفی، عن علی بن عبد الله المیمونی، عن محمد بن علی بن معمر، عن علی بن یقظین بن موسی الأهوازی عنه علیه السلام مثله. (مجلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، الحدیث السادس و الثمانون، ص ۳۹۴؛ همو، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۳)

۳۶. نک: قیومی اصفهانی، جواد، مقدمه کتاب المزار مشهدی، مصحح کتاب المزار مشهدی در مقدمه‌ای که بر این کتاب نوشته است، این اجازات را نقل کرده و سعی کرده تا مشهدی را معرفی کند. ۳۷. این اجازه در بحار الانوار یافت نشد.

۳۸. درباره علی بن حسان بن کثیر الهاشمی نوشته‌اند: به شدت ضعیف است. بعضی از اصحاب ما او را در زمره غلات فاسد الاعتقاد محسوب کرده‌اند، وی کتاب تفسیر الباطن را دارد که تماماً تخلیط است. (نجاشی، ۱۴۰۷ق، ص ۲۵۱)

۳۹. در کتاب رجال او را چنین معرفی کرده است: عبدالرحمن بن کثیر الهاشمی فردی ضعیف بود، اصحاب ما بدگویی او را کرده‌اند و می‌گویند حدیث برمی‌ساخته است. (همان، ص ۲۳۴)

۴۰. محمد بن عبدالله بن مهران ضعیف. الکرخی یرمی بالغلو ضعیف. (طوسی، ۱۳۸۱ق، ص ۳۷۸، ۳۹۱ و ۴۳۸) متهم و غال. (کشی، ۱۴۹۰ق، ص ۴۴۳ و ۵۷۱)
۴۱. ابن نما (بعد ۵۶۵-۶۴۵ق) محمد بن جعفر بن ابی البقاء هبة الله بن نما بن علی الرِّبَعی،... روى عن: والده جعفر بن ابی البقاء، و محمد بن المشهدی (المتوفى بعد ۵۹۴ق) (سبحانی، ۱۴۱۸ق، ج ۷، ص ۲۱۳)؛ اعلم أن هبة الله بن هبة و هبة الله بن نما كلاهما مشترکان فی التكنية بأبى البقاء و الرواية عن الحسين بن طحال المقدادی، لكن الأول یروی عنه ۵۳۱ و الثاني ۵۳۹، و فی أسانیده یروی محمد بن المشهدی عن ابن نما الحلی فی ۵۶۹، و یروی هبة الله بن نما عن حسین بن طحال فی ۵۲۰ و یروی ابن طحال عن السيد الرئيس أبی البقاء هبة الله بن ناصر بن الحسين بن نصر بمشهد الأمير فی ع ۱ / ۴۸۸؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۸ق، ج ۲۰، ص ۳۲۵)
۴۲. در ابتدای فلاح السائل این تاریخ ذکر شده است.
۴۳. نک: سید بن طاووس، ۱۴۱۱ق، ص ۳۰۲، ۳۳۷ و ۳۴۸؛ همو (ط - الحدیثة)، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۴۲ و ج ۲، ص ۱۶.
۴۴. نک: همو، ۱۴۰۹ق [ب]، ص ۹۹-۹۷ و ۸۶-۸۴، همو، ۱۴۰۹ق [الف]، ص ۲۷۱-۲۷۹ و ۲۸۶-۲۹۳.
۴۵. نک: همو، ۱۴۰۹ق [ب]، ص ۷۸-۷۷؛ همو، ۱۳۷۵ش، ص ۱۳۳.
۴۶. بسیاری از معاصران ابن طاووس اخترشناسی را به کار می بردند. برای مثال نک: الشیبی، مورخ العراق ابن الفوطی، ج ۱، ص ۲۲۴-۲۳۳ به نقل از کلبرگ، ۱۳۷۱ش، ص ۴۶.
۴۷. ذیل عنوان «تحلیل و نقد توثیق عام ابن مشهدی» توضیح داده شد.
۴۸. سید بن طاووس گفته برخی موارد خودش دعایی انشا کرده و ملاصالح مازندرانی نیز یکی از زیارات امام رضا (ع) را از انشائات ابن الولید دانسته است: «... و الظاهر أنه من تألیفاته، و أنها غیر منسوبة إلى معصوم.» (مازندرانی، ۱۴۲۹ق، ج ۵، ص ۵۸۳)

منابع

۱. آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، الذریعة إلى تصانیف الشیعة، قم: اسماعیلیان؛ تهران: کتابخانه اسلامیة، ۱۴۰۸ق.
۲. اتان کلبرگ، کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او، مترجمان سید علی قرائی و رسول جعفریان، قم، کتابخانه عمومی آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ۱۳۷۱ ش.
۳. ابن داود حلّی، تقی الدین، رجال ابن داود، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ق.
۴. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، معالم العلماء، نجف: منشورات المطبعة الحیدریة، ۱۳۸۰ق.
۵. ابن غضائری، احمد بن حسین، رجال ابن الغضائری، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۴ق.
۶. ابن فهد حلّی، جمال الدین، احمد بن محمد اسدی، عمدة الداعی و نجاح الساعی، قم: دار الکتاب

- اسلامی، ۱۴۰۷ق.
۷. ابن قولویه، ابوالقاسم جعفر بن محمد، کامل الزیارات، نجف اشرف: دار المرتضویه، ۱۳۹۸ق.
۸. احمدی، مهدی، «اعتبار دعاهاى ابن طاووس از نگاه او»، علوم حدیث، سال سیزدهم، شماره ۳ و ۴، ۱۳۸۷ش، ص ۱۸۹-۲۱۶.
۹. اقارب پرست، زینب، بررسی لغزش‌های تفسیری نووهابیان با تکیه بر کتاب تضاد مفاتیح الجنان با قرآن، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم حدیث، استاد راهنما: عبدالعلی موحدی، ۱۳۹۱ش.
۱۰. امین، سید حسن، مستدرکات اعیان الشیعه، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۸ق.
۱۱. ایروانی، باقر، دروس تمهیدیة فی الفقه الاستدلالی علی المذهب الجعفری، ج ۳، قم: مؤسسه الفقه للطباعة والنشر، ۱۳۸۸ش.
۱۲. بحرانی، محمد سند، بحوث فی مبانی علم الرجال، ج ۲، قم: مکتبه فدک، ۱۴۲۹ق.
۱۳. بهبهانی، محمدباقر بن محمد اکمل، الاجتهاد و التقليد (الفوائد الحائریة)، قم: مجمع الفکر الاسلامی، ۱۴۱۵ق.
۱۴. حاکم حسکانی، عبیدالله (قاضی ابوالقاسم)، فضائل شهر رجب، تهران: مؤسسه النشر التابعة لوزارة الثقافة والارشاد الاسلامی، ۱۴۱۱ق.
۱۵. حسینی جلالی، سید محمدحسین، فهرس التراث، قم: انتشارات دلیل ما، ۱۴۲۲ق.
۱۶. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق.
۱۷. _____، الفصول المهمة فی أصول الأئمة - تکملة الوسائل، قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (ع)، ۱۴۱۸ق.
۱۸. _____، أمل الآمل - تذکرة المتبحرین فی العلماء المتأخرین، تصحیح سید احمد حسینی، بی‌جا: بی‌نا، بی‌تا.
۱۹. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، خلاصة الأقوال فی معرفة أحوال الرجال، ج ۲، نجف اشرف: منشورات المطبعة الحیدریه، ۱۳۸۱ق.
۲۰. خوبی، سید ابوالقاسم موسوی، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، قم: مرکز نشر آثار شیعه، ۱۴۱۰ق.
۲۱. _____، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، قم: تحت اشراف آقای لطفی، ۱۴۱۸ق.
۲۲. داوری، مسلم، اصول علم الرجال بین النظرية و التطبيق، تألیف و تحقیق محمدعلی صالح المعلم، قم: مؤسسه فرهنگی صاحب الامر (عج)، ۱۴۲۹ق.
۲۳. دوانی، علی، مفاخر اسلام، بی‌جا: مرکز فرهنگی قبله، ۱۳۷۲ش.
۲۴. رحمان ستایش، محمدکاظم، با همکاری سید کاظم طباطبایی، «توثیقات عام و خاص»، منتشرشده در پایگاه دیجیتال مرکز آموزش الکترونیکی دانشگاه قرآن و حدیث.

۱۵۲ □ دو فصلنامه حدیث پژوهی، سال سیزدهم، شماره بیست و پنجم، بهار و تابستان ۱۴۰۰

۲۵. زنجانی، سید موسی شبیری، کتاب نکاح (زنجانی)، قم: مؤسسه پژوهشی رأی پرداز، ۱۴۱۹ق.
۲۶. سبحانی، جعفر، الصوم فی الشریعة الاسلامیة الغراء، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۰ق.
۲۷. —، موسوعة طبقات الفقهاء، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۸ق.
۲۸. علی سرور، «بررسی انتقادی کتاب تضاد مفاتیح الجنان با قرآن و اشکالات آن» فصلنامه علمی تخصصی فرهنگ پژوهش، شماره ۲۰ و ۲۱، زمستان ۱۳۹۳ و بهار ۱۳۹۴.
۲۹. سید بن طاووس، رضی الدین، سید علی بن موسی، مہج الدعوات و مہج العبادات، قم: انتشارات دار الذخائر، ۱۴۱۱ق.
۳۰. —، مہج الدعوات و مہج العبادات، ترجمه محمدتقی ابن علی نقی طبسی، تصحیح و تنظیم رضا مرندی و علی فلسفی، بی جا: انتشارات یادمان فلسفی، ۱۳۸۸ش.
۳۱. —، فلاح السائل و نجاح المسائل، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۰۶ق.
۳۲. —، اقبال بالاعمال الحسنه، تصحیح جواد قیومی اصفهانی، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۱۵ق.
۳۳. —، کشف المہجۃ لثمرۃ المہجۃ، ج ۲، قم: بوستان کتاب، ۱۳۷۵ش.
۳۴. —، فتح الابواب بین ذوی الالباب و بین رب الارباب، تصحیح حامد خفاف، قم: مؤسسه آل البيت علیہم السلام، ۱۴۰۹ق.
۳۵. —، الأمان من أخطار الأسفار و الأزمان، قم: مؤسسه آل البيت علیہم السلام، ۱۴۰۹ق.
۳۶. —، فرج المہموم - معرفة نهج الحلال من علم النجوم، قم: دار الذخائر، ۱۳۶۸ق.
۳۷. —، الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر علیہ السلام، قم: شریف رضی، ۱۳۷۰ش.
۳۸. سیستانی، سید علی حسینی، قاعده لا ضرر ولا ضرار، قم: دفتر آیت الله سیستانی، ۱۴۱۴ق.
۳۹. شبیری زنجانی، سید موسی، کتاب نکاح، قم: مؤسسه پژوهشی رأی پرداز، ۱۴۱۹ق.
۴۰. صالح آبادی، محمدحسین، «معرفی کتاب المزار الکبیر»، نشریه فقه اهل بیت علیہم السلام، قم: مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیہم السلام، بی تا.
۴۱. صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ترجمه صادق حسن زاده، تهران: انتشارات ارمان طوبی، ۱۳۹۲ق.
۴۲. —، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.
۴۳. طباطبایی قمی، سید تقی، دراساتنا من الفقه الجعفری، قم: مطبعة الخيام، ۱۴۰۰ق.
۴۴. طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم، العروة الوثقی مع التعليقات، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابیطالب علیه السلام، ۱۴۲۸ق.

۴۵. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، *العدة فی أصول الفقه*، تحقیق محمدرضا انصاری قمی، قم: انتشارات ستاره، ۱۴۱۷ق.
۴۶. _____، *رجال الشيخ الطوسی*، نجف اشرف: انتشارات حیدریه، ۱۳۸۱ق.
۴۷. _____، *الفهرست (للشیخ الطوسی)*، نجف اشرف: المكتبة الرضویة، بی تا.
۴۸. _____، *المصباح المتعجذ*، بیروت: مؤسسة فقه الشیعة، ۱۴۱۱ق.
۴۹. عاملی، بهاء‌الدین و همکاران، *جامع عباسی و تکمیل آن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۹ق.
۵۰. عاملی، بهاء‌الدین، محمد بن حسین، شیخ بهایی، *مفتاح الفلاح فی عمل الیوم و اللیلة من الواجبات والمستحبات*، بیروت: نشر دار الأضواء، بی تا.
۵۱. عمادی حائری، سید محمد، *بازسازی متون کهن حدیث شیعه*، روش، تحلیل، نمونه، ج ۲، قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، ۱۳۹۴ش.
۵۲. عمید، حسن، *فرهنگ فارسی عمید*، تهران: راه رشد، ۱۳۸۹ش.
۵۳. فتاحی زاده، فتحیه، مبانی و روش‌های نقد حدیث در کتب اربعه شیعه، قم، دانشگاه قم، ۱۳۸۵ش.
۵۴. غلامعلی، مهدی، *سبک شناخت کتاب‌های حدیثی*، تهران: سازمان چاپ و انتشارات، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۹۰ش.
۵۵. الفضلی، شیخ عبدالهادی، *اصول علم الرجال*، ج ۲، بیروت: مؤسسه أم‌القری للتحقیق و النشر، ۱۴۲۰ق.
۵۶. قمی، عباس، *مفاتیح الجنان*، چاپ و نشر متعدد.
۵۷. کاکایی، سمیه، *بررسی تطبیقی روش‌ها و معیارهای نقل حدیث در کتب اربعه*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان، استاد راهنما: محمدرضا ستوده‌نیا، ۱۳۸۸ش.
۵۸. کشی، ابو عمرو، محمد بن عمر بن عبد‌العزیز، *رجال الکشی - اختیار معرفة الرجال*، تصحیح حسن مصطفوی، مشهد: مؤسسه نشر دانشگاه مشهد، ۱۴۹۰ق.
۵۹. کلبرگ، اتان، *کتابخانه ابن طاووس و احوال و آثار او*، ترجمه سید علی قرائی و رسول جعفریان، قم: ناشر کتابخانه عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی، چاپ صدرا، ۱۳۷۱ش.
۶۰. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، *الکافی*، ج ۴، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.
۶۱. کفعمی عاملی، ابراهیم بن علی، *المصباح (للكفعمی)*، *جنته الأمان الواقیة و جنته الایمان الباقیة*، ج ۲، قم: دار الرضی (زاهدی)، ۱۴۰۵ق.
۶۲. _____، *البلد الامین و الدرع الحصین*، بیروت: مؤسسه اعلمی، ۱۴۱۸ق.
۶۳. لنگرودی، سید محمد حسن مرتضوی، *الدر النضید فی الاجتهاد و الاحتیاط و التقليد*، قم: مؤسسه انصاریان، ۱۴۱۲ق.

۶۴. مازندرانی، علی اکبر سیفی، *دلیل تحریر الوسيلة - الخمس*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۷ق.
۶۵. مازندرانی، محمدهادی بن محمدصالح، *شرح فروع الکافی*، قم: دار الحدیث للطباعة و النشر، ۱۴۲۹ق.
۶۶. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت: مؤسسة الطبع و النشر، ۱۴۱۰ق.
۶۷. _____، *زاد المعاد - مفتاح الجنان*، ترجمه علاء الدین اعلمی، بیروت: بی نا، ۱۴۲۳ق.
۶۸. _____، *ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار*، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۶ق.
۶۹. محدث نوری، میرزا حسین، *خاتمة المستدرک الوسائل*، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، ۱۴۱۷ق.
۷۰. محمدی شاهرودی، عبدالعلی، *آداب سفر در فرهنگ نیایش*، تهران: نشر آفاق، ۱۳۸۱ش.
۷۱. مدیر شانہ چی، کاظم، *علم الحدیث و درایة الحدیث*، ج ۱۳، قم: دفتر انتشارات اسلامی و وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷ش.
۷۲. مشهدی حائری، محمد بن جعفر، *المزار الكبير (للمشہدی)*، تصحیح جواد قیومی اصفهانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی و وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۹ق.
۷۳. معارف، مجید و همکاران، «مقیسه ملاک های گزینش روایات صحیح بخاری و الکافی»، *مطالعات قرآن و حدیث*، سال دوم، شماره ۲، ۱۳۸۹ش.
۷۴. مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری، *کتاب المزار - المزار الصغیر - مناسک المزار*، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، تصحیح سید محمدباقر ابطی، ۱۴۱۳ق.
۷۵. مکارم شیرازی، ناصر، *کتاب النکاح*، قم: انتشارات علی بن ابیطالب (ع)، ۱۴۲۴ق.
۷۶. مهريزی، مهدی و ایمانی جو، مریم، «بررسی صدور ادعیه ماه رمضان بر اساس مصباح المتہجد»، *فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه*، سال دهم، شماره ۳۷، ۱۳۹۱ش، ص ۲۱-۴۶.
۷۷. میرابوالحسنی، رضا، *روش شناسی حدیثی علامه مجلسی در مرآة العقول بنحس اصول کافی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم قرآن و حدیث، تربیت مدرس، استاد راهنما: کاظم قاضی زاده، ۱۳۸۶ش.
۷۸. ناشناس، *نزہة الزاہد و نزهة العابد*، به کوشش رسول جعفریان، تهران: اهل قلم، ۱۳۷۶ش.
۷۹. نجاشی، احمد بن علی، *رجال النجاشی*، فهرست أسماء مصنفي الشيعة، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ق.
۸۰. نیلساز، نصرت و رجایی فرد، ابوالفضل، «گونه ها، سیر نگارش و انگیزه های تألیف کتب ادعیه در پنج قرن نخست بر اساس دو فهرست نجاشی و شیخ طوسی»، *نشریه حدیث و اندیشه*، دوره سیزدهم، شماره ۲۵، ۱۳۹۷، ص ۴۶-۷۳.